

دستور زبان کاربردی هلندی

A PRACTICAL DUTCH GRAMMAR

تألیف / **by**

یولاندا اسپانس و علی کاوانی

YOLANDE SPAANS & ALI KAVANI

لایدن - تهران
LEIDEN - TEHRAN

2007

Version 1.1

© 2007 کلیه حقوق برای مؤلفین محفوظ است. هر نوع استفاده بازرگانی از این اثر، اعم از باز نویسی، زیراکس، ضبط کامپیوتری، و هر نوع تکثیر دیگر، کلی و جزئی بدون اجازه کتبی از جانب مؤلفین ممنوع و بر طبق قوانین کپی رایت در ایران یا هلند، از سوی مؤلفین منفرداً یا متفقاً قابل تعقیب قانونی است.

Copyright © 2007 Yolande Spaans & Ali Kavani. All rights reserved. No part of this grammar may be reproduced or distributed in any form or by any means without the prior written permission of the copyright holders.

پیش‌گفتار

دستور زبان کاربردی هلندی، یک دستور زبان مقدماتی برای فراگیران مبتدی و متوسطه است. این دستور زبان به ویژه برای دانشجویانی که در حال گذراندن دوره‌ی فراگیری زبان هلندی میباشند و نیاز به مطالعه جامع دستور زبان هلندی، علاوه بر کتابهای درسی خود دارند، مناسب است. این دستور زبان دارای 27 فصل میباشد. موضوعاتی نظیر ترتیب کلمات در دو فصل، ضمائر در چهار فصل، فعل در 11 فصل و جملات مرکب در سه فصل مورد بحث قرار گرفته‌اند. فصول به شیوه‌ای منظم شده‌اند که دانشجوی گام به گام با دستور زبان هلندی آشنا میشود. هر مقوله‌ای با آوردن مثال‌های فراوان شرح داده شده است. در ضمائم: فهرست افعال بیقاعده، اعداد، حروف اضافه و قیود، اطلاعات راجع به تاریخ و زمان و فهرستی از اصطلاحات اساسی هلندی آورده شده است.

من مایلم که از رنه وزل به خاطر صبوری وی در حین مکالمات طولانی و بسیار پربار تلفنی و الی تن لوهویس به خاطر کمک سخاوتمندانه اش در ویرایش متن انگلیسی و در نهایت از علی کاوانی که ایده‌ی نوشتن این دستور زبان را اولین بار او مطرح نمود، صمیمانه قدردانی نمایم.

یولاندا اسپانس
لایدن/مارس 2007

خدای را سپاس میگویم که توانستم با همکاری خانم یولاندا اسپانس (مدرس زبان هلندی در دانشگاه لایدن) این دستور زبان را نوشته و به تمام فارسی زبانانی که قصد یادگیری زبان هلندی را دارند، تقدیم بنمایم. در مورد این دستور زبان ضروری است گفته شود که کوشش شده تا ترجمه‌ی مثال‌ها حتی المقدور کلمه به کلمه باشد تا دانشجوی بتواند با ترتیب کلمات و شیوه‌ی گویش در زبان هلندی آشنا شود. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

ر.علی کاوانی
تهران/فروردین 1386

فهرست :

3	1- الفبا و تلفظ
7	2- ترتیب جمله (1): مقدمات
8	3- ضمایر (1): ضمایر شخصی
10	4- افعال (1): زمان حال باقاعده
13	5- افعال (2): زمان حال بیقاعده
16	6- سؤال کردن
18	7- اسامی
22	8- حرف تعریف
25	9- صفات
28	10- منفی کردن
31	11- ضمایر (2): ضمایر اشاره
32	12- Er
36	13- افعال (3): امری
37	14- افعال (4): افعال موقعیت
38	15- ضمایر (3): ملکی، انعکاسی، دوسویه
40	16- افعال (5): زمان ساده ی گذشته ی باقاعده
43	17- افعال (6): زمان کامل با قاعده
46	18- افعال (7): زمان گذشته ی ساده و زمان کامل بیقاعده
48	19- ترتیب جملات (2): جملات پایه طولانی
50	20- افعال (8): مصدر با te و بدون te
53	21- افعال (9): زمان آینده
54	22- افعال (10): مجهول
55	23- جملات مرکب (1): اتصال جملات پایه به یکدیگر
56	24- جملات مرکب (2): اتصال جملات پایه و پیرو به یکدیگر
60	25- ضمایر (4) ضمایر موصولی
62	26- جملات مرکب (3): جملات پیروی موصولی
63	27- افعال (11): افعال جدا شونده و جدا ناشونده

ضمایم:

66	I	افعال بیقاعده
72	II	اعداد ترتیبی و وصفی
75	III	واحدهای شمارش
77	IV	تاریخ و زمان
81	V	حروف اضافه
87	VI	قید
90	VII	اشاره به اشخاص و اشیاء
93	VIII	واژگان ابراز شگفتی
95	IX	چند اصطلاح مقدماتی گرامر هلندی
99	X	حروف اختصاری

1- الفبا و تلفظ

الف: الفبا

مثل	تلفظ	تلفظ	حروف کوچک	حروف بزرگ
اسب	ا	aa	a	A
بشور	ب	bee	B	B
ستاره	س	see	c ¹	C
دلیر	د	dee	D	D
ایکاش	ای	ee	E	E
فرامرز	اف	ef	F	F
خوب	خ	gee	G	G
هدیه	ه	haa	H	H
بیمار	ی	ie	I	I
پوهان	ی	jee	J	J
کار	کا	kaa	K	K
لویا	ال	el	L	L
مهران	ام	em	M	M
نان	ان	en	N	N
اردک	ا	oo	O	O
پدر	پ	pee	P	P
کوچک	کو	kuu	Q	Q
رییس	ار	er	R	R
سیب	اس	es	S	S
تهران	تی	tee	T	T
او	او	uu	U	U
ویار	وی	vee	V	V
واشنگتن	وی	wee	W	W
ایکس	ایکس	iks	X	X
ای وای	ای	ei/zj	Y	Y
زیبا	زت	zet	Z	Z

چه موقع از حروف بزرگ استفاده میکنیم:

حروف بزرگ در موارد زیر مورد استفاده قرار میگیرند:

- اولین کلمه ی یک جمله ی جدید.
- فقط اولین کلمه عنوان کتابها، فیلمها، برنامه های تلویزیونی و غیره.
- نام کوچک و خانوادگی اشخاص.

¹ C قبل از e و i به صورت s تلفظ میشود: medicijn. اگر یک حرف صدادار یا ساکن دیگر در پی آن بیاید به صورت k تلفظ میشود: cacao.

- نام روزهای جشن، رویدادها و اعصار تاریخی.
- نام و عنوان اشخاص و اشیای مقدس.
- نام کشورها و مناطق (و صفت های اقتباس شده از آنها)، مردم و زبانها.
- تمام نامهای جغرافیایی دیگر مثل نام خیابانها، شهرها و ساکنین آنها، رودخانه ها و دریاچه ها.

چند نمونه:

1. Hij is Nederlander.	او (مذکر) است یک هلندی.
2. Hij woont in Amsterdam.	او (مذکر) زندگی میکند در آمستردام.
3. Hij woont in de Beethovenstraat.	او (مذکر) زندگی میکند در خیابان بتهوون.
4. Zijn naam is Jan Jansen.	نام وی است یان یانسن.
5. Hij leest <i>Lof der zotheid</i> van Erasmus.	او میخواند کتاب "درستایش دیوانگی" از اساموس را.
6. Erasmus was een Nederlandse geleerde.	اساموس بود یک دانشمند هلندی.

ب: تلفظ و املاء

الفبای هلندی پنج حرف صدا دار دارد: a, e, i, o, u

در زبان محاوره این حروف، حروف کوتاه یا بلند نامیده میشوند:

(ā / ǎ), (ē / ě), (ī / ĭ), (ō / ǒ), (ū / ŭ).

از آنرو که در زبان هلندی بسیاری از این به اصطلاح حروف دوگانه ی با تغییر کوچک minimal pairs وجود دارد، این تفاوت در بین حروف کوتاه و بلند بسیار بااهمیت است. minimal pairs کلماتی با سبک نوشتاری تقریباً یکسان هستند (حروف صدادار کوتاه یا بلند)، ولی معنی کاملاً متفاوتی نسبت به هم دارند.

به مثالهای زیر توجه فرمایید:

man	مرد	maan	ماه
tak	شاخه	taak	وظیفه
ram	قوچ	raam	پنجره
bon	بلیت	boon	لویا
zon	خورشید	zoon	پسر
wil	میخواهم	wiel ²	چرخ

² i بلند معمولاً هم در هجای بسته و هم هجای باز به صورت **ie** نوشته میشود. اما در برخی از کلمات مانند **benzine, Afrika**، در هجای باز **i** به صورت **i** نوشته میشود.

قبل از اینکه در مورد قواعد هجی کردن توضیحاتی داده شود، ضروری است که در مورد هجاهای و اینکه چگونه کلمات را به هجاهای تقسیم کرد، مواردی گفته شود.

دو گونه هجا وجود دارد: هجاهای باز (open lettergreep) و هجاهای بسته (gesloten lettergreep). هجاهای باز به یک **حرف صدادار** و هجاهای بسته به یک **حرف بیصدا** ختم میشوند.

برخی از کلمات فقط از یک هجا تشکیل میشوند، در حالیکه بقیه آنها از چند هجا ساخته میشوند. در بیشتر موارد شخص می تواند با تلفظ آهسته ی کلمه، هجاهای را از هم تشخیص دهد.

اگر یک کلمه، یک حرف صدادار در میان خود داشته باشد، معمولاً قبل از این حرف صدادار، هجاهای از هم جدا میشوند، مانند: **ma-nen** و **ra-men** و **zo-nen**. اگر یک کلمه دو حرف بیصدا در میان خود داشته باشد، معمولاً این کلمه در میانه از هم جدا میشود مانند: **man-nen** و **bus-sen** و **ken-nen**.

نمونه هایی از کلماتی که فقط از یک هجا تشکیل شده اند:

man	مرد
maan	ماه
ma	مادر

دو نمونه ی اول در قسمت بالا، از آنرو که به یک حرف بیصدا ختم میشوند، هجاهای بسته هستند. نمونه ی آخر به یک حرف با صدا ختم میشود و از اینرو یک هجای باز است.

نمونه هایی از کلماتی که از یک هجا یا بیشتر تشکیل شده اند:

Eu-ro-pa	اروپا
ta-fel	میز
con-ti-nent	قاره

کلمه ی **Europa** از 3 هجای باز تشکیل شده است. کلمه ی **tafel** از 2 هجا: یکی باز و یکی بسته تشکیل شده است. کلمه ی **continent** 3 هجا دارد: 1 بسته، 1 باز و دوباره 1 هجای بسته.

در درون یک هجا، حرف صدادار می تواند **کوتاه یا بلند** باشد. برای **املاء و هجی کردن** آن به طریقه ی صحیح قواعد ذیل باید به کار گرفته شود:

1- یک حرف صدادار **بلند** در یک هجای **بسته** با دو حرف نوشته میشود:
buur, rood, maan

2- یک حرف صدادار **بلند** در یک هجای **باز** فقط با یک حرف نوشته میشود:
bu-ren³, ro-de, ma-nen

3- یک حرف صدادار **کوتاه** در یک هجای **بسته** فقط با یک حرف نوشته میشود:
zit, bon, wit, man

هنگامیکه که کلمه را بلندتر می کنیم، با دو بار به کار بردن حرف بیصدا، هجا را بسته و حرف صدادار را کوتاه نگه میداریم: **bon-nen, wit-te, man-nen**

برای **تلفظ** این حروف صدا دار اکنون می توانیم بگویم:

³ با وجود این، یک هجای باز با **i** (نوشته شده به صورت **ie**) بلند حالت نوشتاری خود را با دو حرف صدادار حفظ میکند: **wie-len, kie-zen**

1- یک حرف صدادار که به صورت **دو حرف صدادار** نوشته میشود: (uu, oo, ie, ee, aa)، در یک هجای **بسته** به صورت حرف صدادار بلند تلفظ میشود: **wiel, loop, rood, maan**

2- یک حرف صدادار که با **یک حرف صدادار** نوشته میشود (a, e, i, o, u)، در یک هجای **باز** به صورت بلند تلفظ میشود: **bu-ren, ro-de, man-nen, ben-zi-ne**

3- یک حرف صدادار که با **یک حرف صدادار** نوشته میشود (a, e, i, o, u)، در یک هجای **بسته** به صورت کوتاه تلفظ میشود: **bon, wit, zit, man**.

قواعد هجی و املاء کردن، به خصوص در موارد زیر فوق العاده مهم هستند:

- وقتی که در حال ساختن اسامی جمع با افزودن **en** هستیم:

maan - manen, man - mannen

- وقتی که **e** به صفات اضافه می کنیم:

rood - rode, wit - witte

- وقتی که یک فعل را در زمانهای متعدّد و برای اشخاص متعدّد تغییر شکل می دهیم:

loop - lopen, zit - zitten

قواعد دیگر هجی و املاء کردن

در اینجا به دو حرف بی صدای ویژه **f** و **s** اشاره می کنیم. در اغلب موارد اگر حرف بعد از آنها یک حرف صدادار باشد، در هنگام جمع بستن **f** به **v** و **s** به **z** تبدیل میشود:

(**graaf-graven**), (**kaas-kazen**)

توجه داریم که در زبان هلندی کلمات **هیچوقت** به دو حرف بیصدای یک شکل ختم نمیشوند. از اینرو نوشتن کلماتی مانند: **kenn**⁴ و **mann*** صحیح نیست و بایستی به این صورت نوشته شوند: **ken** و **man**

2- ترتیب کلمات (1) : مقدمات

قبل از اینکه وارد بحث ضمایر شخصی و افعال صرف شده⁵ شویم، لازم است نکته ای را راجع به چگونگی قرار گرفتن آنها در کنار هم بدانیم. در یک جمله ی عادی پایه،⁶ فعل صرف شده همیشه در مکان **دوم** قرار می گیرد. ترتیب استاندارد کلمات در جمله به این صورت است: فاعل- فعل و بقیه.

Ik zie hem vandaag.	من میبینم امروز او را.
----------------------------	-------------------------------

به جای فاعل، کلمه دیگری نیز میتواند در مکان اول قرار بگیرد، اما در این صورت فاعل در مکان سوم، درست بعد از فعل قرار می گیرد. آنگاه ترتیب کلمات به این صورت خواهد بود: کلمه دیگر- فعل- فاعل و بقیه. اگر فاعل بعد از فعل قرار بگیرد وارونگی (**inversie**) رخ خواهد داد، یعنی جای فاعل و فعل عوض خواهد شد. معمولاً چیزی بین فعل و فاعل و یا فاعل و فعل نمی-تواند قرار بگیرد. وارونگی اغلب در جملات مثبت پایه رخ می دهد.

⁴ در این متن وجود علامت * قبل از یک کلمه یا جمله، نشانگر عدم رعایت دستور زبان صحیح در آنها میباشد.

⁵ منظور از فعل صرف شده در تمام این متن، فعلی است که از حالت مصدری خارج شده و به تناسب زمان و مکان تغییر شکل داده است.

⁶ در اینجا، منظور جمله ی غیر سؤالی است.

به مثال توجه نمایید:

Vandaag zie ik hem.	امروز میبینم من او را.
----------------------------	-------------------------------

اطلاعات بیشتر راجع به ترتیب کلمات در بخش 19 آمده است. برای اطلاعات راجع به وارونگی در حالت سؤالی به فصل 6 مراجعه کنید.

3- ضمائر (1) : ضمائر شخصی

دو نوع ضمیر شخصی وجود دارد: فاعلی و مفعولی (غیر فاعلی). نوع مفعولی میتواند به صورت مفعول (مستقیم و بیواسطه) یا (غیر مستقیم و با واسطه) و نیز بعد از یک حرف اضافه مورد استفاده قرار بگیرد.

Ik zie hem morgen.	من خواهم دید او را فردا.
Ik wacht op hem .	من منتظرم برای او .

حالت فاعلی⁷

حالت مفعولی⁸

مفرد:

1.	ik	من	me/mij	مرا
2.	je/jij	تو	je/jou	تو را
	u	شما (مؤدبانه)	u	شما را
3.	hij	او (مذکر)	hem ⁹	او را (مذکر)
	ze/zij	او (مؤنث)	haar ¹⁰	او را (مؤنث)
	het	آن	het ¹¹	آن را

جمع:

1.	we/wij	ما	ons	ما را
2.	jullie	شما	jullie	شما را
3.	ze/zij	ایشان	ze/hen/hun ¹²	آنها را

معمولاً از **ze, je** (هم جمع و هم مفرد) و **we** به عنوان فاعل **غیر مؤکد** استفاده میشود. **zij/zij** (مفرد و جمع) و **wij** فقط در هنگامی به کار برده میشوند که تأکید وجود داشته باشد. همین قاعده در حالت های مفعولی نیز صادق است: معمولاً **ze, je, me** مورد استفاده قرار میگیرند. **hen/hun, jou, mij** برای تأکید به کار برده میشوند.

⁷ توجه داشته باشیم که حالت فاعلی در جمله **نمیتواند** حذف شود: **Zie hem morgen** * (بین او را فردا).

⁸ در حالت های مفعولی و فاعلی ضمائر شخصی، سیستم قدیمی حالت ها هنوز فعال است.

⁹ در زبان محاوره به این صورت تلفظ میشود: 'm.

¹⁰ در زبان محاوره به این صورت تلفظ میشود: d'r.

¹¹ در زبان محاوره هم در حالت فاعلی و هم در حالت مفعولی به این صورت تلفظ میشود: 't. توجه داشته باشیم که **het** در حالت مفعولی نمیتواند بعد از حرف اضافه مورد استفاده قرار بگیرد. در عوض اشکال خاصی در ترکیب با **er** استفاده میشود. به **Er** در فصل 12 رجوع کنید.

¹² حالت غیر مؤکد **ze** برای ارجاع به اشخاص و اشیا به کار میرود. در حالت مؤکد فقط **hen** و **hun** در ارجاع به اشخاص به کار میروند.

وقتی که اشخاص را در حالت **دوم** شخص مورد خطاب قرار می‌دهیم، در زبان هلندی بین حالت **رسمی و غیر رسمی** تفاوت قائل می‌شویم. **je/jij** (مفرد) و **jullie** (جمع) غیر رسمی می‌باشند ولی **u** (هم جمع و هم مفرد) رسمی است. **U** حتی اگر به جمع اشاره کند، همیشه با یک فعل مفرد ترکیب می‌شود.

در حالت‌های عادی **u** رسمی، برای خطاب قرار دادن بیگانگان و اشخاص سالخورده به کار گرفته می‌شود. **je/jij** غیر رسمی، در میان والدین و فرزندان و دوستان مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در زبان هلندی در حالت **سوم** شخص مفرد بین مذکر (**hij/hem**)، مؤنث (**zij/haar**) و خنثی (**het/het**) تفاوت وجود دارد. اما در حالت جمع جنسیت مشخص نمی‌شود.

برای درک حالت‌های مفعولی سوم شخص جمع **hen** و **hun** نیاز به مقداری توضیح است. رسماً حالت مفعولی **hen** به عنوان **مفعول مستقیم** بعد از یک حرف اضافه و **hun (ze)** بعد از یک مفعول **غیر مستقیم** مورد استفاده قرار می‌گیرند.

به عنوان نمونه فعل **zien** (دیدن) را در نظر بگیرید. این فعل با یک مفعول مستقیم به کار برده شود: (دیدن شخصی). در این حالت **hun (ze)** به کار می‌رود:

Ik zie de studenten	من دیدم دانشجویان را.
Ik zie hen (ze) .	من دیدم آنان را.

فعل **geven** (دادن) می‌تواند با یک مفعول مورد استفاده قرار گیرد که این مفعول مستقیم است (دادن چیزی):

Ik geef een boek .	من دادم یک کتاب.
---------------------------	------------------

فعل **geven** همچنین می‌تواند با دو مفعول به کار برده شود که در این صورت یکی از آنها مفعول مستقیم و دیگری مفعول غیر مستقیم است. دادن به کسی = (مفعول غیر مستقیم) و دادن چیزی = (مفعول مستقیم). **در اینجا**، حالت مفعولی **hun** به صورت **مفعول غیر مستقیم** به کار برده می‌شود: ¹³

Ik geef de studenten een boek.	من دادم به دانشجویان یک کتاب.
Ik geef hun (ze) een boek.	من دادم به آنان یک کتاب.

حروف اضافه به همراه **aan** می‌تواند جایگزین مفعول غیر مستقیم شود (دادن چیزی به کسی). بعد از حرف اضافه، از **hen** استفاده می‌شود:

Ik geef een boek aan de studenten .	من دادم یک کتاب به دانشجویان.
Ik geef een boek aan hen (aan ze) .	من دادم یک کتاب به آنان.

¹³ این قواعد کاملاً ساختگی هستند. اغلب هلندی‌ها در این مورد مرتکب اشتباه می‌شوند و **hen** و **hun** را به ویژه در زبان محاوره به جای یکدیگر به کار می‌برند.

4- افعال (1) : زمان حال با قاعده

تقریباً تمام افعال هلندی به en ختم میشوند مانند:

♦ werken, maken, reizen

همچنین تقریباً تمام افعال هلندی در زمان حال، باقاعده میباشند.

صرف این افعال باقاعده، با بن (stam) آنها آغاز میشود. برای پیدا کردن بن آنها باید قواعد ذیل را به کار بندیم:

- 1- نخست مصدر¹⁴ فعل را در نظر می گیریم.
- 2- سپس en را از انتهای مصدر حذف می کنیم.
- 3- اگر لازم باشد در نوشتن آن تغییراتی صورت می دهیم.

الف- اگر حرف صدادار باقی مانده از مصدر، **باید بلند باشد** و فقط یک حرف بیصدا در پی آن بیاید، حرف صدادار را مضعف میکنیم.

ب- اگر آنچه از فعل باقی مانده است، به دو حرف بیصدای یکسان ختم شود، یکی از آنها را حذف میکنیم.

پ- z را تبدیل به s میکنیم.

ت- v را تبدیل به f میکنیم.

نتیجه، **بن فعل** خواهد بود.

- 4- کنون به شیوه ی ذیل فعل را صرف می کنیم:

مفرد:

ik	فقط بن فعل
je/zij, u	t + بن
hij, ze/zij, het	t + بن

جمع:

we/wij	مصدر
jullie	مصدر
ze/zij	مصدر

برای توضیح بیشتر افعال ذیل را صرف میکنیم:

♦ bakken (پختن), werken (کار کردن), maken (ساختن), reizen (سفر کردن), verven (رنگ کردن)

اکنون 3 قاعده ی اول را به کار می بندیم:

1.	bakken	werken	maken	reizen	verven
2.	bakk-	werk-	mak-	reiz-	verv-
3.	bak	werk	maak	reis	verf

¹⁴ فعل به این حالت در دیکشنری (هلندی) آمده است.

قاعده ی 4 ما را به اینجا هدایت میکند:

مفرد:

ik	bak	werk	maak	reis	verf
je/zij, u	bakt	werkt	maakt	reist	verft
hij,ze/zij,het	bakt	werkt	maakt	reist	verft

جمع:

we/wij	bakken	werken	maken	reizen	verven
jullie	bakken	werken	maken	reizen	verven
ze/zij	bakken	werken	maken	reizen	verven

همان طور که در فصل دوم دیدیم، ترتیب فاعل و فعل به خاطر قاعده ی وارونگی میتواند تغییر یابد. به این نکته توجه فرمایید که اگر حالت فاعلی je/zij بعد از فعل قرار بگیرد، از بن + t، باید t حذف شود. این قاعده فقط در مورد je/zij صادق است و در مورد u کاربرد ندارد. در مثال زیر این نکته قابل مشاهده است:

bak je/zij	werk je/zij	maak je/zij	reis je/zij	verf je/zij
bakt u	werkt u	maakt u	reist u	verft u

اگر بن فعل قبلاً به یک t ختم شده باشد، t اضافه ی دیگری نخواهد گرفت. از سوی دیگر اگر بن به یک d ختم شود (این d صدای t را در آخر کلمه خواهد داشت)، بر طبق قواعد بالا یک t باید افزوده شود. dt به صورت t تلفظ میشود.

افعال زیر برای نشان دادن این مطلب صرف می شود:

♦ **moeten** (اجبار داشتن), **praten** (صحبت کردن), **zitten** (نشستن), **worden** (شدن), **bidden** (نیایش کردن)

در اینجا نخست 3 قاعده ی پیشین را دوباره به کار میبندیم:

1.	moeten	praten	zitten	worden	bidden
2.	moet-	prat-	zitt-	word-	bid-
3.	moet	praat	Zit	word	bid

قاعده ی 4 ما را به اینجا هدایت میکند:

ik	moet	praat	zit	word	bid
je/zij, u	moet	praat	zit	wordt	bidt
hij,ze/zij,het	moet	praat	zit	wordt	bidt

و در صورتیکه وارونگی در باره ی je/zij رخ بدهد، حالت های زیر شکل خواهند گرفت:

moet je/zij	praat je/zij	zit je/zij	word je/zij	bid je/zij
-------------	--------------	------------	-------------	------------

5- افعال (2) : زمان حاضر بیقاعده

الف : افعالی که به جای en به n ختم میشوند:

این مورد شامل این افعال میشود :

♦ **doen** (دیدن), **zien** (انجام دادن), **staan** (ایستادن), **slaan** (ضربه زدن), **gaan** (رفتن).

به منظور یافتن بن فعل، n حذف میشود. گامهای دیگر، همانند گامهای افعال با قاعده هستند:

1.	gaan	slaan	staan	doen	zien
2.	gaa-	slaa-	staa-	doe-	zie-
3.	ga	sla	sta	doe	zie

و سپس گام 4:

مفرد:

ik	ga	sla	sta	doe	zie
je/jij, u	gaat	slaat	staat	doet	ziet
hij, ze/zij, het	gaat	slaat	staat	doet	ziet

جمع:

we/wij	gaan	slaan	staan	doen	zien
jullie	gaan	slaan	staan	doen	zien
ze/zij	gaan	slaan	staan	doen	zien

اما در هنگامی که وارونگی رخ دهد، جای فعل و فاعل عوض خواهد شد:

ga je/jij	sla je/jij	sta je/jij	doe je/jij	zie je/jij
-----------	------------	------------	------------	------------

ب : **komen** (آمدن)

این فعل دارای حرف صدادار کوتاه در حالات مفرد و حرف صدادار بلند در حالات جمع است:

ik	kom
je/jij, u	komt
hij, ze/zij, het	komt
we/wij	komen
jullie	komen
ze/zij	komen

پ : **zijn** (بودن) و **hebben** (داشتن)

این افعال نیز بی قاعده هستند :

مفرد:

ik	ben	heb
je/jij, u	bent	hebt
hij, ze/zij, het	is	heeft

جمع:

we/wij	zijn	hebben
jullie	zijn	hebben
ze/zij	zijn	hebben

نکته : برای **u**، هم حالت دوم شخص مفرد (**hebt**) و هم حالت سوم شخص مفرد (**heeft**) از فعل **hebben** میتواند به کار برده شود: **u hebt** و **u heeft**¹⁵
افعال **zijn** و **hebben** به عنوان افعال کمکی هم برای ساختن فعل کامل به کار برده میشوند.¹⁶

ت : افعال کمکی

آخرین گروه از افعال بیقاعده، افعال کمکی ذیل هستند:

♦ **kunnen** (قادر بودن), **zullen** (خواهیم, خواهم), **mogen** (مجاز بودن), **willen** (خواستن).

این افعال فقط دو حالت در زمان حاضر دارند که یکی برای مفرد و دیگری برای جمع به کار میرود:

مفرد:

ik	kan	zal	mag	wil
je/jij, u	kan	zal	mag	wil
hij, ze/zij, het	kan	zal	mag	wil

جمع:

we/wij	kunnen	zullen	mogen	willen
jullie	kunnen	zullen	mogen	willen
ze/zij	kunnen	zullen	mogen	willen

در برخی از موارد، این افعال حالت باقاعده نیز دارند که به ویژه در موارد رسمی نوشتاری ترجیح داده میشوند:

je/jij, u	kunt	zult	ندارد	wilt
-----------	------	------	-------	------

فعل کمکی **moeten** (باید) همانطور که قبلاً دیدیم، در زمان حال باقاعده است.

¹⁵ با ضمیر انعکاسی سوم شخص مفرد **u** مقایسه شود. به فصل 15 رجوع کنید.
¹⁶ به فصول 17 - 18: زمان کامل رجوع کنید.

توجه داریم که افعال کمکی همیشه با مصدر بدون **te** ترکیب میشوند. این مصدر در آخرین جای جمله قرار میگیرد:

Ik kan goed zwemmen.	من می توانم خوب شنا کنم.
Ik zal je morgen bellen.	من خواهم کرد فردا به تو تلفن.
Ik wil dit boek lezen.	من میخوام این کتاب را بخوانم.

در باره ی مصادر با **te** و بدون **te** در فصل 19 صحبت خواهد شد. اطلاعات بیشتر راجع به مصدر های با **te** و بدون **te** در قسمت 20 آمده است.

6- شیوه های سؤال کردن

دو طریقه برای سؤال کردن وجود دارد. یک جمله ی سؤالى میتواند هم با یک فعل صرف شده آغاز شود (که اصطلاحاً **سؤال بسته یا آری/ نه** نیز نامیده میشود) و همچنین میتواند با یک کلمه ی سؤالى آغاز شود (که اصطلاحاً **سؤال باز** نیز نامیده میشود). اگر سؤال با یک فعل صرف شده آغاز شود، فاعل به صورت خودکار بعد از فعل صرف شده در جای **دوم** قرار میگیرد. (وارونگی فاعل و فعل صرف شده).

مثال هایی از **سؤالات بسته** :

Komen jullie vanavond?	می آید شما امشب؟
Studeer jij in Leiden?	درس میخوانی تو در لایدن؟
Wachten jullie op ons?	منتظرید شما برای ما؟
Houden jullie van muziek?	علاقه دارید شما به موسیقی؟

اگر جمله ی سؤالى با یک کلمه ی سؤالى آغاز شود، این کلمه ی سؤالى در جای اول جمله و فعل صرف شده در جای دوم قرار میگیرد. در صورتیکه کلمه ی سؤالى، خود فاعل نباشد، فاعل در جای سوم قرار میگیرد.

ادات پرسش:

wie? ¹⁷	کی، چه کسی؟
wat?	چه، کدام؟
waar?	کجا؟
welk(e)? ¹⁸	کدام؟
waarom?	چرا؟
wanneer?	کی؟
hoe?	چگونه، چطور؟

¹⁷ کلمه ی سؤالى **wie**، وقتی که به صورت فاعل به کار میرود، معمولاً با یک فعل مفرد ترکیب میشود.
¹⁸ کلمه ی سؤالى **welk** در ترکیب با یک **het-word** مفرد مورد استفاده قرار میگیرد. **welke** در ترکیب با یک **de-word** و تمام جمع ها مورد استفاده قرار میگیرد. **welke** از قواعد صفت پیروی میکند. به فصل 9 نیز رجوع کنید.

مثال هایی از سؤالات باز:

Wie is je docent?	چه کسی است معلم تو؟
Wat doe je morgen?	چه میکنی تو فردا؟
Waar is de auto?	کجا است اتوموبیل؟
Welke fiets is van jou?	کدام دوچرخه است مال تو؟
Welke fietsen zijn goedkoop?	کدام دوچرخه ها هستند ارزان؟
Welk boek lees je?	کدام کتاب را میخوانی تو؟
Welke boeken koop je?	کدام کتابها را میخری تو؟
Waarom kom je niet?	چرا نمی آیی تو؟
Wanneer kom je wel?	کی می آیی تو؟
Hoe ga je naar Amsterdam?	چگونه میروی تو به آمستردام؟

نکته: کلمه ی سؤالی hoe ممکن است با کلمات دیگر ترکیب شود.

hoeveel?	چه مقدار/تعداد؟
hoe lang?	تا کی/چند زمان؟
hoe laat?	کی/چه موقع؟
hoe ver?	چه مقدار دور؟
hoe groot?	چقدر بزرگ؟
hoe klein?	چقدر کوچک؟

و غیره.

کلمات سؤالی ممکن است که با یک حرف اضافه ترکیب شوند. برای این نوع از سؤالات ترکیبی از این فرمول استفاده میکنیم:

- برای سؤال راجع به اشخاص: حرف اضافه ی ثابت + wie .
- برای سؤال راجع به اشیاء: waar + حرف اضافه ی ثابت.¹⁹

چند مثال:

Aan wie denk je?	به چه کسی فکر میکنی تو؟
Waar aan denk je?	به چه فکر میکنی تو؟
Waar denk je aan?	به چه فکر میکنی تو؟

Op wie wacht je?	برای چه کسی منتظر هستی تو؟
Waarop wacht je?	برای چه چیزی منتظر هستی تو؟
Waar wacht je op?	برای چه چیزی منتظر هستی تو؟

گاهی اوقات ترکیب waar + حرف اضافه ی ثابت به صورت یک جمله نوشته میشود، اما بیشتر معمول است که همانطور که در مثالهای بالا دیده میشود، waar در اول جمله و حرف اضافه ی ثابت بعد از ترکیب فعل و فاعل قرار داده شود.

¹⁹ waar + حرف اضافه جایگزین ترکیب حرف اضافه + wat میشود.

7- اسامی

الف: جنسیت

اسامی هلندی مؤنث، مذکر و خنثی هستند. آنها به وسیله ی حروف تعریف معین **het** بیان میشوند. کلمات مذکر و مؤنث **de-word** و کلمات خنثی **het-word** هستند. حروف تعریف معین اسامی جمع **de-word** میباشد. تفاوت بین کلمات مذکر و مؤنث خیلی اهمیت ندارد، اما اینکه یک کلمه **de-word** یا **het-word** باشد، بسیار مهم است، زیرا که این امر پیامدهایی برای شکل صفت، ضمیر اشاره، ضمیر موصولی و غیره دارد که خواهیم دید. بنابراین هرکلمه ای را باید با حرف تعریف آن فرا گرفت.²⁰ یک دیکشنری خوب به ما در مورد اینکه یک کلمه **de-word** یا **het-word** است، آگاهی میدهد و نیز به جنسیت آن کلمه اشاره میکند.

در مورد کلمات مرکب (ترکیبی از اسامی که به صورت یک کلمه نوشته میشود)، کلمه ی آخر جنسیت کلمه را و در نتیجه نوع حرف تعریف را معین میکند.

مقایسه کنید:

het huis + de deur = de huisdeur	در+خانه=در خانه
de instructie + het boek = het instructieboek	دستور العمل+ کتاب= کتاب دستور العمل

ب: اسامی جمع²¹

برای اسامی جمع 3 حالت در آخر آنها متصور است:

s/'s, eren, en

بزرگترین گروه اسامی به **en** ختم میشوند، و گروه بسیار محدودی نیز به **eren** ختم میشوند.

• اسامی جمع با **s/'s**:

آن اسامی که از دو هجا یا بیشتر تشکیل شده اند و به **el, em, en, er** و **je** بدون تأکید (**onbeklemtoond**) ختم میشوند، حالت جمع آنها به **s** ختم میشود:

مفرد	جمع	
de tafel	de tafels	میز(ها)
de bodem	de bodems	زیر- ته (ها)
de wagen	de wagens	وسیله نقلیه (ها)
de kamer	de kamers	اتاق (ها)
het meisje	de meisjes	دختر(ها)

آن اسامی که به **a, é, i, o, u, y** ختم میشوند، حالت جمع آنها به **s** یا **'s** ختم میشوند:

مفرد	جمع	
de opa	de opa's	پدر بزرگ (ها)
de taxi	de taxi's	تاکسی (ها)

²⁰ به فصل 8 در مورد حروف تعریف نیز رجوع کنید.

²¹ بعضی از واحدهای شمارش در حالت جمع نیز مفرد هستند (مثل فارسی) مثل 3 یورو، 3 سانتیمتر، 3 سال وغیره. به ضمیمه ی III در مورد واحدهای شمارش رجوع کنید.

de kilo	de kilo's	کیلو (ها)
de accu	de accu's	باتری (ها)
de baby	de baby's	بچه (ها)
het café	de cafés	کافه (ها)

از آنرو از آپوستروف استفاده میشود تا از تلفظ غلط جلوگیری شود. **opas** باید با حرف صدادار کوتاه **ă** تلفظ شود (یک حرف صدادار در یک هجای بسته). آپوستروف در **opa's** حرف صدادار آخر را بلند نگه میدارد. همین جریان در مورد **taxi** اتفاق می افتد (به **ī** بلند ختم میشود)، **kilo** (به **ō** بلند ختم میشود)، **accu** (به **ū** ختم میشود) و **baby** (به حرف **ī** صدا دار بلند ختم میشود).

با وجود این کلمه ای مثل **café**، یک تأکید و تشدید (**accentteken**) بر روی آخرین حرف صدادار خود دارد که اشاره به آن دارد که باید بلند تلفظ شود. از اینرو آپوستروف حالت جمع لازم نیست و در نتیجه در اینجا حذف میشود: **cafés**.

• اسامی جمع که به **eren** ختم میشوند:

مفرد	جمع	
het kind	de kinderen	بچه (ها)
het ei	de eieren	تخم مرغ (ها)
het blad	de bladeren ²²	برگ درخت (ها)

• اسامی جمع که به **en** ختم میشوند:

مفرد	جمع	
de citroen	de citroenen	لیمو (ها)
de kaart	de kaarten	بلیت (ها)
het park	de parken	پارک (ها)
het boek	de boeken	کتاب (ها)

به شیوه املاء و هجی کردن در مثال های زیر توجه کنید:

با حروف صدادار بلند:

مفرد	جمع	
de minuut	de minuten	دقیقه (ها)
de tomaat	de tomaten	گوجه فرنگی (ها)
de week	de weken	هفته (ها)

با حروف صدادار کوتاه:

مفرد	جمع	
de bus	de bussen	اتوبوس (ها)
de kat	de katten	گربه (ها)
de bel	de bellen	زنگ در (ها)

²² توجه داشته باشید که حرف صدادار کوتاه در حالت جمع، بلند میشود.

- با اسم مختوم به **ee** یا **ie** مؤکد:

مفرد	جمع	
het idee	de ideeën ²³	ایده (ها)
de industrie	de industrieën	صنعت (ها)

معمولاً²⁴ در انتهای کلمه، **f** به **v** و **s** به **z** تبدیل میشود:

مفرد	جمع	
de golf	de golven	موج (ها)
de brief	de brieven	نامه (ها)
de reis	de reizen	سفر (ها)
de kaas	de kazen	پنیر (ها)
het huis	de huizen	خانه (ها)
de prijs	de prijzen	قیمت (ها)

s و **f** در انتهای این کلمات تغییر نمی کنند:

مفرد	جمع	
de mens	de mensen	مردم (ان)
de wens	de wensen	آرزو (ها)
de kans	de kansen	فرصت (ها)
de dans	de dansen	رقص (ها)
de fotograaf	de fotografen	عکاس (ها)
het kruis	de kruisen	صلیب (ها)

- موارد ویژه:

حروف صدادار کوتاه، گاهی بلند میشوند:

مفرد	جمع	
de dag	de dagen	روز (ها)
de weg	de wegen	جاده (ها)
het blad	de bladen ²⁵	مجله (ها)
het glas	de glazen	لیوان (ها)

تغییرات دیگر حروف صدادار:

مفرد	جمع	
het schip	de schepen	کشتی (ها)
de stad	de steden	شهر (ها)
de koe	de koeien	گاو (ها)

²³ این به اصطلاح سواگیری (جداسازی دو حرف صدادار پشت سر هم) در آخرین **e**، نشانگر آغاز یک هجای جدید در اینجا است.

²⁴ اما این قاعده هرگز بعد از حرف صدادار کوتاه صادق نیست: **kas - kassen, straf – straffen**.

²⁵ کلمه **blad** دو حالت جمع دارد: **bladeren** (برگ درختان) و **bladen** (روزنامه ها).

پ: اسامی کوچک شده²⁶ (مصغر)

اسامی کوچک شده با افزودن je, tje, pje, etje, kje به اسم ساخته میشوند:

اسم کوچک / اسم معمولی

het boek	het boekje	کتابچه
de brief	het briefje	نامه (نامه کوچک)
de jas	het jasje	ژاکت کوچک
het verhaal	het verhaaltje	داستان کوتاه
de schoen	het schoentje	کفش کوچک
de vrouw	het vrouwtje	زن کوچک اندام
de duw	het duwtje	هل کوچک، فشار کم
het ei	het eitje	تخم مرغ کوچک
de auto	het autootje	اتوموبیل کوچک
de boom	het boompje	درخت کوچک
de film	het filmpje	فیلم کوتاه
de man	het mannetje	مرد کوچک اندام
de ring	het ringetje	حلقه ی کوچک
de bal	het balletje	توپ کوچک
de weg	het weggetje	جاده کوچک
de koning	het koninkje	شاه کوچک

همانطور که مشاهده گردید، تمامی اسامی کوچک شده **het-words** هستند. به فصل بعدی نیز رجوع نمایید.

8- حروف تعریف²⁷

در زبان هلندی دو نوع حرف تعریف وجود دارد: معرفه، معین (**bepaald**) و مبهم، نکره یا نامعین (**onbepaald**). حروف تعریف معین **de** و **het** میباشند و حرف تعریف نامعین **een**²⁸ است.

²⁶ از آنرو که قواعد برای انتخاب یکی از پسوند های کوچک کننده کاملاً پیچیده هستند، ما در اینجا فقط معدودی مثال برای شما آورده ایم.

²⁷ هر چند که زبان هلندی دیگر موارد (**ablative** مفعول به، مفعول عنه؛ **accusative** حالت مفعولی، مفعول، مفعول مستقیم؛ **dative** مفعول با واسطه؛ **genitive** حالت ملکی، حالت اضافی؛ **nominative** حالت فاعلی، حالت نهادی) را ندارد، هنوز مقداری از آن سیستم قدیمی باقیمانده است. در رابطه با استفاده از حروف تعریف، شخص علاقه به استفاده از 's' در فیودی مثل **'s middags**، **'s morgens**، **'s zomers**، و غیره دارد. این 's' حالت کوتاه شده **des** است و شکل قدیمی **genitive** است که در آخر اسم نیز نشان داده میشود (**'s morgens** - **des morgens** - **de morgen**).

²⁸ در مورد حرف تعریف نامعین **een** (در انگلیسی ((a/an)) با عدد **een** (1) سردرگم نشوید. دقت نمایید که تلفظ حرف تعریف نامعین **een** (حرف صدا دار نا مؤکد) با تلفظ عدد **een** (e بلند و واضح) متفاوت است.

حرف تعریف **de** یا **het** اسمی را که در پی آن می آید، **معین** میکند. حرف تعریف **de** برای اسامی مذکر و مؤنث مفرد و حرف تعریف **het** برای اسامی خنثی مفرد به کار برده میشود. برای تمام **اسامی جمع** از **de** استفاده میشود:

مفرد	جمع	
de kamer	de kamers	اتاق (ها)
het huis	de huizen	خانه(ها)

حرف تعریف **een**، اسمی را که در پی آن می آید، **نامعین** میکند و فقط برای حالت مفرد اسمی که در پی آن می آید، فارغ از اینکه مذکر، مؤنث و یا خنثی باشد مورد استفاده قرار میگیرد. **در تمامی اسامی جمع** حرف تعریف **een** حذف میشود:

Daar zit een man.	آنجا نشسته است یک مرد.
Daar zitten mannen.	آنجا نشسته اند مردان.

در مورد اسامی غیر قابل شمارش، حرف تعریف نامعین هرگز مورد استفاده قرار نمیگیرد: ²⁹

Is er nog koffie?	باقی مانده قهوه ای؟
Wil je suiker in je koffie?	آیا تو شکر در قهوه ات میخواهی؟

از حرف تعریف در مثال های زیر نیز استفاده نمیشود:

Jan is Nederlander.	جان است هلندی.
Hij is lid van een voetbalclub.	او است عضو یک باشگاه فوتبال.
Juan is buitenlander.	خوان است یک خارجی .
Hij is docent Engels.	او است معلم زبان انگلیسی.

9- صفات

برای به کار بردن یک صفت دو راه وجود دارد: (1) به صورت منفرد و (2) قراردادن **قبل** از اسم (حالت وصفی یا اسنادی).

• صفت به صورت منفرد

اگر صفت به صورت **منفرد** به کار برده شود، هرگز تغییر نمی کند:

De school is groot .	مدرسه است بزرگ .
Die scholen zijn groot .	آن مدارس هستند بزرگ .
Ik vind die school groot .	من یافتم آن مدرسه را بزرگ .

Het huis is mooi .	خانه است قشنگ .
Die huizen zijn mooi .	آن خانه ها هستند قشنگ .
Ik vind dat huis mooi .	من یافتم آن خانه را زیبا .

²⁹ مثالهایی از اسامی (مواد) غیر قابل شمارش: (نقره) **zilver**, (روغن) **olie**, (گاز) **gas** و غیره.

• صفت قبل از اسم

اگر صفت قبل از اسم قرار داده شود، تغییر میکند: در **اغلب** موارد یک **e** اضافه میشود. به یاد داشته باشیم که تغییرات نوشتاری را در صورت لزوم انجام دهیم.

de-word		het-word	
مفرد	جمع	مفرد	جمع
de grote school	de grote scholen	het mooie huis	de mooie huizen
een grote school	grote scholen	een mooi huis	mooie huizen

همانطور که در مرور اجمالی صفت پیش از اسم میتوان مشاهده کرد، همیشه یک **e** باید اضافه گردد، به **جز** در مواردی که **3** حالت زیر، **همگی باهم** وجود دارند:

- اسم **het-word** است.
 - اسم **مفرد** است.
 - از حرف تعریف نامعین **een**³⁰ استفاده شده است ³¹.
- گروه محدودی از صفات **هرگز** در آخر کلمه **e** نمیگیرند:
- صفاتی که برای اشیاء ساخته شده از مواد به کار میرود و اغلب آنها خودشان یک **en** دارند:
 - ♦ **katoenen** (کتانی), **gouden** (طلایی), **aluminium** (المینیومی), **plastic** (پلاستیکی).
 - صفت مفعولی که به **en** ختم شود مانند:
 - ♦ **gebakken** (پخته شده), **gesloten** (بسته شده).
 - معدودی از صفات به **en** ختم میشوند مانند:
 - ♦ **eigen** (خودم), **open** (باز), **tevreden** (راضی), **verleden** (آخرین).

چندین مثال:

de gouden ring	حلقه ی زرین
het aluminium frame	قاب آلومینیومی
de gesloten deur	در بسته
het gebakken brood	نان پخته
mijn eigen huis	خانه ی خودم
de tevreden klant	مشتری راضی

³⁰ یا حالت منفی آن: **geen** (به فصل 10، قسمت منفی کردن نیز رجوع کنید). ←
³¹ با وجود این، این حالت سوم در مورد **het-words** های غیر قابل شمارش کاربرد ندارد:
Mmmm, lekker water! (هووووم، آب گوارا!)

• صفت برتر و برترین

ساختن صفت برتر و برترین

صفت **برتر** با اضافه کردن **er** به انتهای صفت ساخته میشود؛ صفاتی که به **r** ختم میشوند با افزودن **der** به انتهای آنها، صفت برتر میشوند. برای ساختن **صفت عالی یا برترین** یک **st(e)** به انتهای صفت اضافه میشود:

صفت	صفت برتر	صفت برترین
mooi	mooier	mooist(e)
groot	groter	grootst(e)
klein	kleiner	kleinst(e)
duur	duurder	duurst(e)

• قبل از اسم:

اگر یک صفت **برتر** قبل از اسم قرار داده شود، قواعد صفت بایستی باید به کار گرفته شود (اضافه یا کسر کردن **e**).

de-word

مفرد	جمع
de grotere school	de grotere scholen
een grotere school	grotere scholen

het-word

het mooiere huis	de mooiere huizen
een mooier huis	mooiere huizen

اگر یک صفت **برترین** قبل از اسم قرار داده شود، یک **e** همیشه اضافه میشود:

de-word

de grootste school	de grootste scholen
--------------------	---------------------

het-word

het mooiste huis	de mooiste huizen
------------------	-------------------

املاء حروف صدادر بلند و کوتاه را به خاطر داشته باشید.

• به صورت منفرد:

به مانند صفت، به صفت **برتر و برترین** هنگامی که به صورت منفرد مورد استفاده قرار میگیرند، e اضافه نمیشود:

De school is groot.	مدرسه است بزرگ.
Deze school is groter.	این مدرسه است بزرگتر.
Deze school is het grootst. ³²	این مدرسه است بزرگترین.

Het huis is mooi.	این خانه است زیبا.
Dit huis is mooier.	این خانه است زیباتر.
Dit huis is het mooist.	این خانه است زیباترین.

• ساختار های مقایسه نمودن:

حرف ربط مناسب برای مقایسه نمودن **dan** (از) است:

Deze school is groter dan die school.	این مدرسه است بزرگتر از آن مدرسه.
Dit huis is mooier dan dat huis.	این خانه است زیباتر از آن خانه.

این ساختار نیز برای مقایسه نمودن میتواند مورد استفاده قرار گیرد:

Deze school is twemaal zo groot als die school.	این مدرسه است دو برابر بزرگتر از آن مدرسه.
Dit huis is tien keer zo mooi als dat huis.	این خانه است ده برابر زیباتر از آن خانه.

در صورتی که صفات تفاوتی نداشته باشند، ساختار **even ... als** که مانند ساختار (as ... as) در زبان انگلیسی است، یا **even** به کار برده میشود:

Deze school is even groot als die school.	این مدرسه است به بزرگی آن مدرسه.
Deze scholen zijn even groot.	این مدارس به یک اندازه بزرگند.

Dit huis is even mooi als dat huis.	این خانه است به خوبی آن خانه.
Deze huizen zijn even mooi.	این خانه ها به یک اندازه زیبا هستند.

بیقاعده ها:

فقط تعداد معدودی صفات برتر و برترین بی قاعده در زبان هلندی وجود دارد. از آنها، هم به صورت صفت و هم قید استفاده میشود:

³² در زبان محاوره اغلب یک e اضافه میشود.

صفت / قید		صفت برتر		صفت برترین		صفت همسان	
goed	خوب	beter	بهتر از	best(e)	بهترین	even goed als	به همان خوبی
veel	بسیار	meer	بیشتر از	meest(e)	بیشترین	even veel als	به همان زیادی
weinig	کم	minder	کمتر از	minst(e)	کمترین	even weinig als	به همان کمی
graag ³³	لطفاً	liever	با مسرت بیشتر	liefst(e)	با بیشترین مسرت	even graag als	با همان مسرت

10- منفی کردن

زبان هلندی دو کلمه برای منفی کردن دارد: **geen** و **niet**. از آنرو که **geen** فقط در موارد معدود و ویژه ای مورد استفاده قرار میگیرد، ما در اینجا به آن میپردازیم.

الف: geen

geen قبل از اسم گذاشته میشود و درجملات منفی هنگامیکه درقرینه ی مثبت، حرف تعریف، حرف تعریف نامعین (**een**) است، و یا هنگامی که هیچ حرف تعریفی وجود ندارد، مورد استفاده قرار میگیرد. اسم در این حالت همیشه **نا مشخص** است.³⁴

در موارد ذیل اسم نامشخص خواهد بود:

▪ وقتی که حرف تعریف نامعین پیش از آن قرار بگیرد:

Heb jij een euro voor mij?	داری تو یک یورو برای من؟
Nee, ik heb geen euro voor je.	نه، من ندارم هیچ یورو برای تو.

▪ وقتی که حرف تعریف وجود نداشته و اسم جمع باشد:

Hij geeft haar bloemen .	او (مذکر) میدهد به او (مؤنث) گلها را.
Hij geeft haar geen bloemen .	او(مذکر) نمیدهد به او (مؤنث)، هیچ گلی را.

▪ وقتی که حرف تعریف وجود نداشته و اسم غیر قابل شمارش است:

Wil je suiker in je koffie?	آیا تو شکر در قهوه ات میخواهی؟
Nee, ik wil geen suiker .	نه، من نمیخواهم هیچ شکری.

اگر **moeten** با یک اسم نا مشخص ترکیب شود، همتای منفی آن گروه فعلی :
(مصدر = **te + infinitive + اسم** = **hoeven + geen + noun**) است.

Moet je huiswerk maken?	باید تو تکلیف درسی خانه انجام بدهی؟
Nee, ik hoef geen huiswerk te maken .	نه، من نیاید تکلیف درسی خانه انجام دهم.

³³ فقط به صورت قید استفاده میشود.
³⁴ به فصل 8 نیز رجوع کنید و تأثیر حروف تعریف را در مشخص و نامشخص کردن اسامی مشاهده کنید.

ب: niet

در مورد اینکه **niet** باید کجا گذاشته شود، 7 قاعده وجود دارد. در مواردی که پیش از یک قاعده کاربرد داشته باشد، هر قاعده ای که در اینجا ذکر میشود بر قاعده ی قبلی **تقدم** دارد.

niet در این مکانها قرار داده میشود:

- 1- بعد از فعل صرف شده.
- 2- بعد از کلمات **er, hier** و **daar**.
- 3- بعد از قید زمان.
- 4- بعد از مفعول مشخص.³⁵
- 5- قبل از یک صفت.
- 6- قبل از یک گروه قیدی.³⁶
- 7- قبل از قید.³⁷

چند مثال کوتاه برای هر قاعده:

1. Rook jij? Nee, ik rook niet.	دخانیات استعمال میکنی تو؟ نه، من دخانیات استعمال نمیکنم.
Studeren jullie? Nee, wij studeren niet.	درس میخوانید شما؟ نه، ما درس نمی خوانیم.
2. Woon jij hier? Nee, ik woon hier niet.	زندگی میکنی تو اینجا؟ نه، من زندگی نمیکنم اینجا.
Je woont in Leiden. Werk je er ook? Nee, ik werk er niet.	تو زندگی میکنی در لایدن. کار تو میکنی آنجا هم؟ نه، من کار نمیکنم آنجا.
3. Komen jullie morgen? Nee, wij komen morgen niet.	می آید شما فردا؟ نه، ما نمایم فردا.
Ga je vanavond weg? Nee, ik ga vanavond niet weg.	میروی تو امشب؟ نه، من امشب نمیروم.
4. Ken jij Jan Janssen? Nee, ik ken Jan Janssen niet.	میشناسی تو یان یانسن را؟ نه، من نمیشناسم یان یانسن را؟
Geef je hem dat boek? Nee, ik geef hem dat boek niet.	دادی تو به او آن کتاب را؟ نه، من ندادم به او آن کتاب را.
5. Is jouw jas groen? Nee, mijn jas is niet groen .	است کت تو سبز؟ نه، کت من سبز نیست.

³⁵ یک مفعول میتواند یا حرف تعریف معین **de/het**، ضمیر اشاره و ملکی مشخص شود. یک نام خاص (پان و غیره) نیز مشخص است.

³⁶ برای حروف اضافه به ضمیمه V رجوع کنید.

³⁷ برای قیود به ضمیمه VI رجوع کنید.

Ben je moe?	هستی تو خسته؟
Nee, ik ben niet moe .	نه، من نیستم خسته.
6. Ga je naar Amsterdam?	میروی تو آمستردام؟
Nee, ik ga niet naar Amsterdam .	نه، من نمیروم آمستردام.
Gaan we bij Jan eten?	میرویم ما با یان بخوریم(شام)
Nee, we gaan niet bij Jan eten.	نه، ما نمیرویم با یان بخوریم (شام)
7. Werken jullie hard?	کار میکنید شما سخت؟
Nee, wij werken niet hard .	نه، ما کار نمیکنیم سخت.
Kijk je graag naar de tv?	به تماشای تلویزیون علاقه داری؟
Nee, ik kijk niet graag naar de tv. ³⁸	نه، من به تماشای تلویزیون علاقه ندارم.

اگر **moeten** با یک اسم مشخص ترکیب شود، همتای منفی آن گروه فعلی :
(مصدر = **hoeven + geen + niet + te + infinitive**) است.

Moet jij dit boek kopen?	باید تو این کتاب را بخری؟
Nee, ik hoef dit boek niet te kopen.	نه، من نباید این کتاب را بخرم.

11- ضمائر (2) : ضمائر اشاره

زبان هلندی چهار ضمیر اشاره دارد: **deze/dit** و **die/dat**. آنها به مسافتی اشاره میکنند که بین گوینده و شیئی یا شخصی که این گوینده راجع به آنها صحبت میکند وجود دارد: دور یا نزدیک. این ضمائر میتوانند قبل از یک اسم به کار برده شوند و یا به تنهایی مورد استعمال قرار گیرند. اگر ضمیر اشاره **قبل** از اسم به کار برده شود، باید دانست که اسم یک **de-word** یا یک **het-word** است.

نزدیک

دور

de-word		het-word		de-word		het-word	
deze	این	dit	این	die	آن	dat	آن
deze	اینها	deze	اینها	die	آنها	die	آنها
مفرد: آن							
جمع: آنها							

³⁸ بر طبق قاعده 6 **niet** باید قبل از گروه قیدی گذاشته شود، اما قاعده 7 (قبل از یک قید) بر قاعده 6 تقدم دارد.

چند نمونه:

نزدیک				دور			
de deur	در	het huis	خانه	de deur	در	het huis	خانه
deze deur	این در	dit huis	این خانه	die deur	آن در	dat huis	آن خانه
deze deuren	این درها	die deuren	آن درها	deze huizen	این خانه ها	die huizen	آن خانه ها

ضمیر اشاره به صورت منفرد نیز میتواند در اشاره به شخص یا چیز که قبلاً به آن اشاره شده، به کار رود. به ضمیمه ی VII رجوع کنید.

Er -12

کلمه ی er در بسیاری از حالت های متفاوت مورد استفاده قرار میگیرد. مهمترین آنها موارد زیر هستند:

الف: er به عنوان حالت مخفف daer یا hier
ب: er + فاعل غیر مشخص³⁹
پ: er (daer) + حرف اضافه
ت: er + کمیت نما

الف: er به عنوان حالت مخفف daer یا hier

حالت اول استفاده از er، اشاره به مکان دارد. استفاده از er به عنوان حالت مخفف daer (آنجا) و hier (اینجا)، اشاره به آن مکان واقعاً مهم نیست. در یک جمله ی مرتب (بدون وارونگی) er معمولاً بعد از فعل صرف شده قرار میگیرد. حالت تأکیدی daer و hier در هنگامی مورد استفاده قرار میگیرد که مکان، اهمیت دارد. شخص با قرار دادن daer یا hier در اول جمله حتی میتواند بر روی مکان تأکید بیشتری کند. به ترتیب کلمات در مثال ها توجه نماییم.

چند مثال برای نشان دادن تفاوت بین: er (hier) daer

Woon je in Leiden?	زندگی میکنی تو در لایدن؟
Ik woon al tien jaar in Leiden.	من ده سال است زندگی میکنم در لایدن.
Ik woon er al tien jaar. ⁴⁰	من زندگی میکنم در آنجا ده سال.
Daar woon ik al tien jaar.	آنجا، جایی است که زندگی میکنم من ده سال.

Heb je Peter in de tuin gezien?	دیده ای تو پیتر را در باغ؟
Ja, ik heb hem in de tuin gezien.	من او را در باغ دیده ام.
Ik heb hem er gezien. ⁴¹	من او را در آنجا دیده ام.
Daar heb ik hem gezien.	آنجا، جایی است که من او را دیده ام.

³⁹ در باره ی استفاده از er به عنوان فاعل در جمله ی مجهولی، در فصل 22 بحث شده است.
⁴⁰ er = در لایدن. توجه کنید که er بعد از فصل صرف شده قرار میگیرد.

⁴¹ er = در باغ. توجه نمایید که er بعد از ضمیر شخصی hem قرار میگیرد.

er + فاعل نامشخص

اگر **فاعل** جمله نامشخص باشد، جمله با **er** به عنوان نوعی از فاعل موقتی شروع میشود که آمدن فاعل واقعی را معلوم میکند. در زیر این فاعلهای واقعی در مثالهای زیر خط کشیده شده است. طبق معمول فعل در جای دوم قرار میگیرد.

فاعل در موارد زیر **نامشخص** است:

- وقتی که قبل از اسم، حرف تعریف نامعین **een** قرار گرفته است:

Er loopt een kind in het park.	راه میرود یک کودک در پارک.
Er ligt een boek op tafel.	است یک کتاب در روی میز.

- اسم حرف تعریف **ندارد** و جمع است:

Er spelen kinderen in het park.	در حال بازی کردن هستند کودکان در پارک.
Er liggen boeken op tafel.	وجود دارند کتابها در روی میز.

- وقتی که اسم **غیر قابل شمارش** (مواد) است و حرف تعریف ندارد:

Er staat koffie op tafel.	است قهوه بر روی میز.
Er zit suiker in deze pot.	است شکر در این جا شکر.

- وقتی که قبل از اسم **geen** آمده است:

Er is geen thee meer.	نیست هیچ چای بیشتری.
Er zijn geen studenten in dit lokaal.	وجود ندارد هیچ دانشجویی در این کلاس.

- وقتی که قبل از اسم **عدد** آمده است:

Er zitten 10 studenten in deze klas.	نشسته اند 10 دانشجو در این کلاس.
Er lopen buiten 5 kinderen .	راه میروند بیرون 5 کودک .

- وقتی که قبل از اسم کلمه ای آمده است که **مقدار** را نشان میدهد مثل:

♦ veel (خیلی), genoeg (کافی), weinig (کم).

Er is veel vraag naar dit boek.	است خیلی تقاضا برای این کتاب.
Er is weinig verkeer vandaag.	است کمی ترافیک امروز.
Er zijn veel kinderen in het park.	هستند کودکان زیادی در پارک.

- وقتی که فاعل دارای یک **ضمیر نامعین** است مثل:

♦ iemand (کسی), niemand (هیچکس), iets (چیزی), niets (هیچی).

Er ligt iets lekkers op tafel.	است چیزی خوشمزه بر روی میز.
Er gebeurt helemaal niets .	اتفاق نیافتاد چیزی اصلاً .
Er komt vanavond iemand langs.	سر خواهد زد امشب کسی .
Er is niemand aanwezig.	نیست هیچ کسی در اینجا.

ت: حرف اضافه + (daar) + er

اسم یا گروه اسامی میتواند با **حرف اضافه** ترکیب شود و تشکیل یک گروه قیدی را بدهد:

Ik houd van Franse films .	من دوست دارم فیلمهای فرانسوی را .
-----------------------------------	--

وقتی که به این گروه قیدی ارجاع میدهیم، از **er** + **حرف اضافه** استفاده میکنیم. آنگاه این **er** جایگزین اسم یا گروه اسامی میشود. این نوع از **er** + **حرف اضافه** هیچوقت به اشخاص اشاره نمیکند و همیشه به اشیاء نظر دارد.⁴²

Ik houd ervan . ⁴³	من دوست دارم آنها را .
--------------------------------------	-------------------------------

ترکیب **er** + **حرف اضافه** میتواند به صورت یک کلمه در جمله ظاهر شود، اما در اغلب موارد حرف اضافه از **er** جدا میشود. سپس حرف اضافه در انتهای جمله، اما همیشه قبل از فعل یا افعال آخر قرار داده میشود:

Ik houd er veel van .	من دوست دارم آنها را خیلی .
Ik heb er altijd veel van gehouden.	آنها را من همیشه خیلی دوست داشته ام.

دوباره **daar** میتواند جایگزین **er** شود، که آنگاه به منظور تأکید در اول جمله قرار داده میشود:

Daarvan heb ik altijd veel gehouden.	آنها را من همیشه خیلی دوست داشته ام.
Daar heb ik altijd veel van gehouden.	آنها را من همیشه خیلی دوست داشته ام.

توجه: حرف اضافه **met** هنگامیکه با **er** یا **daar** ترکیب میشود، **تبدیل** به **mee** میشود:

Ik begin met mijn studie .	من شروع میکنم با تحصیلات در دانشگاه .
Ik begin ermee .	من شروع میکنم با آنها .
Ik begin er volgend jaar mee .	من شروع میکنم با آنها سال بعد.
Ik kan er volgend jaar mee beginnen.	من میتوانم شروع کنم آنها را سال آینده.
Daar begin ik volgend jaar mee .	آن چیزی است که من شروع میکنم سال بعد.

حروف اضافه ی دیگر که در ترکیب با **er** تغییر می کنند:

er + naar -> ernaartoe / erheen (اغلب با فعل gaan در ارجاع به مقصد)
er + uit -> ervandaan (اغلب با فعل komen در ارجاع به مکان زادگاه یا عزیمت)

Ik ga naar Frankrijk .	من میروم به فرانسه.
Ik ga er morgen naartoe . ⁴⁴	من میروم به آنجا فردا.
Ik kom er net vandaan . ⁴⁵	من برگشته ام تازه از آنجا .
Daar kom ik net vandaan .	از آنجا من برگشته ام تازه.

⁴² برای اشخاص از ضمیر شخصی استفاده میشود: **Ik houd van mijn kinderen** ← (من دوست دارم کودکانم را). **Ik houd van hen/ze** ← (من دوست دارم آنان را).

⁴³ **ervan = van Franse films** (فیلم های فرانسوی را).

⁴⁴ **naartoe = naar Frankrijk** (...) **er** (به فرانسه).

⁴⁵ **vandaan = uit Frankrijk** (...) **er** (از فرانسه).

ت: er + کمیت نما

وقتی که اسم با یک کمیت نما ترکیب شده باشد، er میتواند به جای اسم به کار رود. به مکان er توجه داشته باشیم:

Hoeveel kinderen heb je?	چند تا بچه داری تو؟
Ik heb drie kinderen.	من دارم 3 بچه.
Ik heb er drie .	من دارم 3 بچه.

Heb jij veel cd's?	داری تو خیلی سی دی؟
Ja, ik heb veel cd's.	بله، من دارم خیلی سی دی.
Ja, ik heb er veel .	بله، من دارم خیلی از آنها.

Hebt u een auto?	داری تو یک ماشین؟
Nee, ik heb geen auto.	نه، من ندارم هیچ ماشینی.
Nee, ik heb er geen .	نه، من ندارم هیچ از آن.

13- افعال (4) : امری

برای دستور دادن یا تشویق کردن کسی از فعل امری استفاده میشود. فعل امری معمولاً از بن فعل ساخته میشود. این نوع به عنوان فعل امری غیر رسمی در نظر گرفته میشود: چند مثال از حالت غیر رسمی:

Houd je mond!	خفه شو!
Blijf hier!	بایست اینجا!
Schiet op!	شتاب کن!
Kom hier!	بیا اینجا!

اما میتوان فعل صرف شده را + u (رسمی) و یا + jij (غیر رسمی) به صورت امری به کار برد:

Komt u toch ⁴⁶ hier!	لطفاً بیا اینجا!
Blijft u toch hier!	لطفاً بایست اینجا!
Gaat u toch zitten.	لطفاً بنشین

Kom jij eens hier!	بیا تو اینجا!
Blijf jij even hier!	بایست تو اینجا!

بر روی تابلوها نیز ممکن است مصدرهایی دیده شود که به معنای فرمانهای عمومی است:

Niet roken	استعمال دخانیات ممنوع
Hier bellen	لطفاً اینجا زنگ بزنید

⁴⁶ کلماتی نظیر even, eens, toch به کار میروند تا حالت امری را کمی بیشتر دوستانه سازند.

14- افعال (5) : افعال موقعیت

اغلب ممکن است که فعل خنثی *zijn* با یک فعل موقعیت جایگزین شود. 3 جایگزین ممکن وجود دارد:

♦ *staan, liggen, zitten*.

برای یک چیز که ایستاده و ممکن است بیفتد، از فعل *staan* استفاده میشود: ⁴⁷

Het glas staat op tafel.	لیوان ایستاده است بر روی میز.
De klok staat op de kast.	ساعت ایستاده است بر روی کمد.
De auto staat voor het huis.	اتوموبیل ایستاده است در مقابل خانه.

برای یک چیز که بر روی یک سطح مسطح به صورت خوابیده قرار گرفته است و نمیتواند بیفتد، از فعل *liggen* استفاده میشود:

Het boek ligt op tafel.	کتاب قرار دارد بر روی میز.
Het kind ligt in bed.	کودک خوابیده است در بستر.
De sleutels liggen op de plank.	کلیدها قرار دارند در قفسه.

برای یک چیز که در یک فضای محدود قرار دارد، از فعل *zitten* استفاده میشود:

Het geld zit in mijn zak.	پول قرار دارد در جیب من.
Er zit geen suiker in de pot.	است هیچ شکر در جاشکری.
Mijn paspoort zit in jouw tas.	پاسپورت من است در کیف تو.

افعال *staan, liggen, zitten* نیز در میان پنج فعلی هستند که در ترکیب با (*te* + مصدر) برای نشان دادن دو عمل همزمان به کار میروند. به فصل 20 قسمت پ رجوع کنید.

15- ضمائر (3) : ملکی، انعکاسی و دوسویه

برای نمایش یک نمای کلی، تمام ضمائر شخصی در اینجا آورده میشود:

ضمایر انعکاسی	ضمایر ملکی	ضمایر مفعولی شخصی	ضمایر فاعلی شخصی
---------------	------------	-------------------	------------------

مفرد:

خودم	me	مال من	mijn	مرا، به من، از من	me/mij	من	ik
خودت	je	مال تو	je/jouw ⁴⁸	تو، به تو، از تو	je/jou	تو	je/jij
خود شما	u/zich ⁴⁹	مال شما	uw	شما را، به شما، از شما	u	شما (رسمی)	u

⁴⁷ در زبان فارسی گفته میشود: نیست هیچ شکر در جا شکر.

⁴⁸ ضمیر ملکی *je* با ضمیر شخصی غیر مؤکد *je* مطابقت دارد؛ *jouw* با ضمائر شخصی غیر مؤکد *jou* و *jij* مطابقت دارد.

hij	او (مذکر)	hem	او را، به او، از او	zijn	مال او (مذکر)	zich	خودش (مذکر)
ze/zij	او (مؤنث)	haar	او را، به او، از او	haar	مال او (مؤنث)	zich	خودش (مؤنث)
het	آن	het	آن را، به آن، از آن	zijn	مال (او(خنثی))	zich	خودش (خنثی)

جمع:

we/wij	ما	ons	ما را، به ما، از شما	ons/ onze ⁵⁰	مال ما	ons	خودمان
jullie	شما	jullie	شما را، به ما، از ما	jullie	مال شما	je	خودتان
ze/zij	آنان	ze/hen /hun	آنها را، به آنها، از آنها	hun	مال آنان	zich	خودشان

ضمایر ملکی قبل از اسم قرار داده میشوند. شیوه های دیگری نیز برای نشان دادن ملکیت وجود دارد. برای مثال با استفاده از حرف اضافه ی **van** + حالت غیر فاعلی ضمیر شخصی، که در این حالت بر روی ملکیت **تأکید** میشود.

چند مثال:

Dit is mijn boek.	این است کتاب من.
Dit boek is van mij .	این کتاب است مال من.

Dit zijn onze boeken.	اینها هستند کتاب های ما.
Deze boeken zijn van ons .	این کتابها هستند مال ما.

ضمایر انعکاسی در ترکیب با فعل در زبان هلندی تقریباً زیاد مورد استفاده قرار میگیرند.

چند نمونه برای ضمایر انعکاسی:

- ♦ **zich wassen**: (شستن خود), **zich scheren**: (تراشیدن موی خود), **zich schamen**: (خم شدن), **zich bukken**: (اشتباه کردن), **zich vergissen**: (احساس شرمندگی کردن), **zich voelen**: (احساس کردن)...

Ik was me in de rivier.	من شستم خودم را در رودخانه.
Nee, zij vergist je .	نه، تو اشتباه میکنی خودت .
Hij scheert zich elke dag.	او (مذکر) اصلاح میکند خودش را هر روز.
Wij voelen ons heerlijk!	ما احساس معرکه ای داریم!

ضمایر انعکاسی همچنین بعد از یک حرف اضافه در اصطلاحی نظیر **bij zich hebben** (داشتن با تو) مورد استفاده قرار میگیرند:

Ik heb geld bij me .	من دارم پول با خودم .
Zij hebt geld bij je .	تو داری پول با خودت .

⁴⁹ **zich** به سوم شخص مفرد و جمع تعلق دارد، اما عموماً با **u** رسمی به کار برده میشود. **u hebt/ heeft** را در فصل 5 مقایسه کنید.

⁵⁰ برای **het-word** مفرد از **ons** و برای **de-word** و تمام جمع ها از **onze** استفاده میکنیم.

Hij heeft geld bij zich .	او(مذکر) دارد پول با خودش.
Wij hebben geld bij ons .	ما داریم پول با خودمان.
Jullie hebben geld bij je .	شما دارید پول با خودتان.
Zij hebben geld bij zich .	آنان دارند پول با خودشان.

و غیره.

ضمیر دوسویه برای اول، دوم و سوم شخص جمع، **elkaar** (هم دیگر) است:

Wij begroeten elkaar .	ما سلام میکنیم به همدیگر.
Jullie lijken op elkaar .	شما به نظر می آیدمثل همدیگر.
Zij houden van elkaar .	آنان دوست دارند همدیگر را.

16- افعال (5) : زمان گذشته ی ساده با قاعده

زمان گذشته ی ساده در زبان هلندی، عمدتاً به منظور روایت یک داستان اعم از داستان های شاه پریان تا تجربیات روزانه و غیره به کار برده میشود:

نمونه ای از داستان های شاه پریان:

Er was eens een prins ... en ze leefden nog lang en gelukkig.
یکی بود، یکی نبود. یک شاهزاده ای بود... و آنان زیستند برای مدت درازی و شادمانه.

و نمونه ای از روایات روزمره:

Ik was in de stad, ik liep over het plein en toen gleed ik uit over een bananenschil.
من بودم در شهر، من در عرض آن میدان قدم میزدم، لیز خوردم بر روی یک پوست موز.

به منظور ساختن زمان گذشته ی ساده افعال با قاعده، صرفاً باید از قواعد پیروی کنیم. به مانند زمان حال (رجوع کنید به فصل 4)، ابتدا مصدر را در نظر گرفته و سپس **en** را حذف میکنیم (گامهای 1 و 2).

گام جدید 3 اساسی است: به آخرین حرف مصدر بعد از حذف **en** توجه لازم را نموده و با توجه به آخرین حرف مصدر قبل از **en**، به آخر فعل **te(n)** یا **de(n)** اضافه می نماییم:

- در صورتی که آخرین حرف قبل از **en** جزو حروف **ch, f, k, p, s, t** باشد به آخر فعل **te(n)** اضافه می نماییم. این حروف **بیصدا** را میتوانیم به صورت واژه ی **(soft ketchup)** به خاطر بسپریم. (حروف **u, e, o** محسوب نمیشوند.)
 - در تمام موارد دیگر و نیز در صورتی که آخرین حرف قبل از **en**، جزو حروف صدادار باشد، **de(n)** را اضافه می نماییم.

در (گام 4) در صورت لزوم تغییرات نوشتاری را انجام داده و سپس در (گام 5) حروف افزودنی به آخر زمان گذشته ی ساده را اضافه مینماییم. فقط یک حالت برای مفرد: **(te/de)** و یک حالت برای جمع : **(ten/den)**، وجود دارد.

اکنون گام های بعدی را برمیداریم:

- 1- ابتدا مصدر را در نظر میگیریم.
- 2- **en** را از انتهای مصدر حذف میکنیم.

- 3- آخرین حرفی را که از فعل باقیمانده است، با توجه به واژه **soft ketchup** (رجوع کنید به بالا) در نظر گرفته، و **te(n)** یا **de(n)** را انتخاب میکنیم.
 4- در صورت لزوم تغییرات نوشتاری را انجام میدهیم.

الف: اگر حرف صدا دار واقع در واژه ی باقی مانده از مصدر، **باید بلند باشد** و اگر فقط یک حرف بیصدا در پی آن بیاید، حرف صدادار را تکرار مینماییم.
ب: اگر واژه ی باقی مانده از مصدر به دو حرف صدادار یکسان ختم شود، یکی از آنها را حذف مینماییم.
پ: **z** را به **s** تبدیل مینماییم.
ت: **v** را به **f** تبدیل مینماییم.
 نتیجه **بن فعل** خواهد بود.

5- اکنون فعل را به شیوه ی زیر صرف میکنیم:

مفرد:

ik	بن + ten/-den
je/zij, u	بن + ten/-den
hij, ze/zij, het	بن + ten/-den

جمع:

we/wij	بن + ten/-den
jullie	بن + ten/-den
ze/zij	بن + ten/-den

برای توضیح بیشتر مطلب، افعال بعدی در اینجا به عنوان نمونه صرف میشود:

♦ **maken** (ساختن), **maaien** (چریدن), **lachen** (خندیدن), **halen** (گرفتن).

4 مرحله ی اولیه به این صورت انجام میشود:

1.	maken	maaien	lachen	halen
2.	mak-	maai-	lach-	hal-
3.	-k	-i	-ch	-l
4.	maak	maai	lach	haal

گام 5 به اینجا منتهی خواهد شد:

مفرد:

ik	maakte	maaide	lachte	haalde
je/zij, u	maakte	maaide	lachte	haalde
hij, ze/zij, het	maakte	maaide	lachte	haalde

جمع:

we/wij	maakten	maaiden	lachten	haalden
jullie	maakten	maaiden	lachten	haalden
ze/zij	maakten	maaiden	lachten	haalden

حتی اگر فعلی بدون **en** در انتهای آن، به **d** یا **t** ختم شود، قواعد پیش گفته باید در اینجا رعایت شود. افعال **planten** (کاشتن) و **leiden** (هدایت کردن) را در اینجا با هم مقایسه میکنیم:

1.	planten	leiden
2.	plant-	leid-
3.	-t	-d
4.	plant	leid

گام 5 به اینجا منتهی خواهد شد:

مفرد:

ik	plantte	leidde
je/jij, u	plantte	leidde
hij, ze/zij,het	plantte	leidde

جمع:

we/wij	plantten	leidden
jullie	plantten	leidden
ze/zij	plantten	leidden

این حروف بیصدای مضاعف، به صورت یک حرف تلفظ میشوند، از اینرو در حالت جمع تفاوت شنیداری بین زمان حال: (**wij planten, wij leiden**) و زمان گذشته ی ساده را: (**wij plantten, wij leidden**) نمیتوان حس کرد.

چرا انجام گام 3، قبل از تغییرات نوشتاری بسیار مهم است؟ برای نشان دادن این اهمیت، در اینجا نگاهی به افعال **verhuizen** (حرکت کردن) و **beloven** (قول دادن) می اندازیم:

1.	verhuizen	beloven
2.	verhuiz-	belov-
3.	-z	-v
4.	verhuis	beloof

گام 5:

مفرد:

ik	verhuisde	beloofde
je/jij, u	verhuisde	beloofde
hij, ze/zij,het	verhuisde	beloofde

جمع:

we/wij	verhuisden	beloofden
jullie	verhuisden	beloofden
ze/zij	verhuisden	beloofden

اگر تغییرات املائی بی موقع صورت بگیرد، به جای **ik verhuisde** و **ik beloofde** خواهیم داشت: *** ik verhuiste** و *** ik beloofte**

17- افعال (6) : زمان کامل با قاعده

از زمان کامل هنگامی استفاده میشود که واقعه ای روی داده است. از زمان کامل خیلی بیشتر از زمان گذشته ی ساده استفاده میشود. فعل کامل از ترکیب یک فعل کمکی و یک اسم مفعول ساخته میشود. از افعال کمکی **hebben** و **zijn** برای ساختن زمان کامل استفاده میشود. اگر این افعال در زمان حاضر مورد استفاده قرار گیرند، به **زمان حاضر کامل** اشاره دارند و اگر در زمان گذشته ی ساده استفاده شوند، به ساختن **زمان گذشته ی کامل** کمک میکنند.

در اینجا ساختن **اسم مفعول** از افعال با قاعده را آغاز میکنیم.

الف: اسم مفعول ها

در اینجا نیز بمانند حالت زمان گذشته ی ساده از ترفند واژه ی **soft ketchup** استفاده می کنیم: اگر در انتهای مصدر بدون **en**، یکی از حروف بی صدای موجود در واژه ی **soft ketchup** قرار گرفت، یک **t** به انتهای آن اضافه میشود، اما در تمام موارد دیگر یک **d** افزوده میشود و سپس یک پیشوند **ge** به ابتدای آن اضافه میشود. بنابراین به این صورت عمل مینماییم:

- 1- ابتدا مصدر جمله را در نظر می گیریم.
- 2- از انتهای آن **en** را حذف میکنیم.
- 3- آخرین حرف از واژه باقی مانده از مصدر را، در واژه ی **soft ketchup** جستجو و با توجه به قواعد پیش گفته **t** یا **d** را انتخاب میکنیم.
- 4- در صورت لزوم تغییرات نوشتاری را انجام میدهم.

الف: اگر حرف صدا دار واقع در واژه ی باقی مانده از مصدر، **باید بلند باشد** و اگر فقط یک حرف بیصدا در پی آن بیاید، حرف صدادار را تکرار میکنیم.
ب: اگر واژه ی باقی مانده از مصدر به دو حرف صدادار یکسان ختم شود، یکی از آنها را حذف میکنیم.

پ: **z** را به **s** تبدیل مینماییم.

ت: **v** را به **f** تبدیل مینماییم.

نتیجه **بن فعل** خواهد بود.

- 5- پیشوند **ge** به ابتدا و **t** یا **d** را به انتهای بن اضافه میکنیم.

توجه: اگر فعل با یک پیشوند **نامؤکد** (**be, ge, her, ont, ver**) آغاز شود، **ge** اضافه **نخواهد شد**.

برای درک بهتر مطلب در اینجا افعال زیر را صرف میکنیم:

♦ **werken** (کار کردن), **planten** (کاشتن), **leiden** (راهنمایی کردن), **verhuizen** (حرکت کردن), **beloven** (قول دادن).

1.	werken	planten	leiden	verhuizen	beloven
2.	werk-	plant-	leid-	verhuiz-	belov-
3.	-k	-t	-d	-z	-v
4.	werk	plant	leid	verhuis	beloof
5.	gewerkt	geplant	geleid	verhuisd	beloofd

به اسم مفعول **geplant**، از آنرو که بن فعل پیش از آن به **t** ختم شده است، **t** دیگری افزوده نمیشود. به اسم مفعول **geleid** از آنرو که قبلاً به **d** ختم شده است، **d** دیگری اضافه نمیشود. اسم مفعول **verhuisd** با یک پیشوند نامؤکد (**onbeklemt**) آغاز شده، از اینرو به آن **ge** اضافه نشده است. همین قاعده در مورد **beloofd** نیز صادق است.

ب: افعال کمکی **zijn** و **hebben**

برای اینکه دانسته شود این افعال در چه زمانی به کار برده میشوند، دانستن اطلاعات زیر ضروری است. در بیشتر موارد فعل کمکی مناسب **hebben** است.

zijn با افعال زیر چه با قاعده و چه بی قاعده به کار برده میشود:

- ♦ **komen** (آمدن), **gaan** (رفتن), **zijn** (بودن), **blijven** (ماندن), **worden** (شدن), **gebeuren** (اتفاق افتادن).

Ik ben gisteren al aangekomen.	من دیروز وارد شده ام قبلاً.
Ik ben naar Amsterdam gegaan.	من آمده ام به آمستردام.
Ik ben er maar een week geweest.	من فقط برای یک هفته در آنجا بوده ام.
Ik ben er niet lang gebleven.	من نمانده ام در آنجا مدتی دراز.
Ik ben ziek geworden.	من شده ام مریض.
Dat is eerder gebeurd.	آن اتفاق افتاده است قبلاً.

و یا افعالی که نشانگر تغییر موقعیت هستند :

- ♦ **veranderen** (تغییر کردن), **geboren worden** (زاده شدن), **sterven** (مردن), **stoppen** ... (توقف کردن)

Zij bent erg veranderd.	تو بسیار تغییر کرده ای.
Hij is in 1996 geboren.	او (مذکر) در 1996 به دنیا آمده است.
Zij is in 2003 gestorven.	او (مؤنث) در 2003 فوت شده است.
Hij is met roken gestopt.	او متوقف کرده است استعمال دخانیات را.

• افعالی که نشانگر حرکت میباشند، **zijn** یا **hebben** را به صورت افعال کمکی خود به کار میبرند:

- ♦ **fietsen** (دوچرخه سواری), **lopen** (قدم زدن) ...

zijn را در صورتی که جهت یا مقصدی نشان داده شود، به کار میبرند. (در زیر مثال ها خط کشیده شده است)

hebben را در صورتی که جهت یا مقصدی نشان داده نشود، به کار میبرند.

مقایسه کنید:

Ik ben naar Leiden gefiets t.	من به سوی لایدن دوچرخه رانده ام.
Ik heb drie uur gefiets t.	من 3 ساعت دوچرخه رانده ام.

Ik ben naar huis gelopen .	من به سوی خانه قدم زده ام.
Ik heb in de tuin gelopen .	من در باغ قدم زده ام.

تا اینجا فقط نمونه هایی از فعل کمکی در **زمان حال کامل** آورده شد. اگر چند مثال آخر، به **زمان گذشته کامل** برده شوند، به این صورت درخواست خواهند آمد:

Ik was naar Leiden gefiets t.	من به سوی لایدن دوچرخه رانده بودم.
Ik had 3 uur gefiets t.	من 3 ساعت دوچرخه رانده بودم.
Ik was naar huis gelopen .	من به سوی خانه قدم زده بودم.
Ik had in de tuin gelopen .	من در باغ قدم زده بودم.

توجه: در جمله ی پایه ی معمولی، فعل کمکی صرف شده در مکان **دوم** واسم مفعول در آخر جمله قرار خواهد گرفت.⁵¹

18- افعال (7) : زمان گذشته ی ساده و زمان کامل بیقاعده

الف: زمان گذشته ی ساده

بسیاری از افعالی که در زمان حاضر باقاعده هستند، در زمان گذشته ی ساده و کامل بیقاعده هستند. آنها را باید به یاد سپرد و راه دیگری برای یاد گرفتن آنها نیست. در حروف صدا دار بیشتر افعال بیقاعده، تغییراتی صورت میگیرد.

spreken	sprak, spraken	heeft gesproken	صحبت کردن
zitten	zat, zaten	heeft gezeten	نشستن

یک حالت برای مفرد و یک حالت برای جمع وجود دارد. در حالت جمع معمولاً **en** به حالت مفرد اضافه میشود. در صورت لزوم، انجام تغییرات نوشتاری لازم را در هنگام اضافه کردن **en**، فراموش نکنیم:

schrijven	ik/zij/hij/etc. schreef	wij/jullie/zij schreven	نوشتن
zingen	ik/zij/hij/etc. zong	wij/jullie/zij zongen	آواز خواندن

برای فهرستی از افعال بیقاعده و گذشته ی ساده ی آنها که مکرراً مورد استفاده قرار میگیرند، میتوان به ضمیمه I مراجعه کرد. افعال این لیست در زیر گروه هایی با ویژگیهایی همانند دسته بندی شده اند که امید است که به حفظ آنها کمک کند. فهرست الفبایی این افعال نیز ممکن است سودمند باشد. اگر فعل اصلی، برای مثال **nemen** بیقاعده باشد، آنگاه

⁵¹ برای ترتیب کلمات به فصل 19 نیز مراجعه کنید.

ترکیبات این فعل با پیشوند مؤکد (مانند: **afnemen, innemen, opnemen, overnemen** و غیره)، نیز معمولاً بیقاعده هستند.

در زیر، زمان گذشته ی ساده **hebben** (داشتن)، **zijn** (بودن)، **worden** (شدن) و تمام افعال کمکی **kunnen, moeten, mogen, zullen, willen** فهرست شده است:

	hebben	zijn	worden	kunnen
--	--------	------	--------	--------

مفرد:

ik	had	was	werd	kon
je/jij, u	had	was	werd	kon
hij, ze/zij, het	had	was	werd	kon

جمع:

we/wij	hadden	waren	werden	konden
jullie	hadden	waren	werden	konden
ze/zij	hadden	waren	werden	konden

	moeten	mogen	zullen	willen
--	--------	-------	--------	--------

مفرد:

ik	moest	mocht	zou	wilde/wou ⁵²
je/jij, u	moest	mocht	zou	wilde/wou
hij, ze/zij, het	moest	mocht	zou	wilde/wou

جمع:

we/wij	moesten	mochten	zouden	wilden/wouden
jullie	moesten	mochten	zouden	wilden/wouden
ze/zij	moesten	mochten	zouden	wilden/wouden

ب: زمان کامل بی قاعده

در ضمیمه I حالت زمان کامل افعال بیقاعده ای که مکرراً مورد استفاده قرار میگیرند، آورده شده است. به افعال کمکی (**hebben** یا **zijn**) نیز اشاره شده است. حالت اسم مفعول کامل بیقاعده معمولاً دارای این ساختار میباشد:

♦ **ge + en** (با تغییر یا بدون تغییر در حروف صدادار) بن فعل + **ge**

vallen	viel, vielen	is gevallen	افتادن
slapen	sliep, sliepen	heeft geslapen	خوابیدن

⁵² شکل مرجح **wilde/wilden** باقاعده است. با وجود این در زبان محاوره اغلب از **wou/wouden** استفاده میشود.

19- ترتیب کلمات (2) : جمله های پایه ی بلندتر

تا کنون دیدیم که در یک جمله پایه ی معمولی بدون وارونگی، ترتیب استاندارد کلمات به این صورت است: فاعل در مکان اول و فعل صرف شده در مکان دوم و بقیه کلمات در مکانهای بعدی قرار میگیرند.⁵³ اکنون میخواهیم قدری بیشتر در باره ی جملات پایه ی بلندتر صحبت کنیم. از دیگر قسمت های جمله که **فعل نیستند** موقعیت ضمیر انعکاسی، مفعول مستقیم و غیر مستقیم، اصطلاحات زمان، رفتار، مکان را مورد بررسی خواهیم داد و از اشکال **فعل** بر روی موقعیت مصدر و اسم مفعول تمرکز خواهیم نمود.⁵⁴

الف: ترتیب کلمات در میان گروهی دیگر از واژگانی که فعل نمیباشند

- **ضمیر انعکاسی** مستقیماً بعد از فاعل + فعل صرف شده (یا فعل صرف شده + فاعل در صورت وارونگی) می آید:

Ik herinner me die man.	من به یاد می آورم آن مرد را.
--------------------------------	------------------------------

Gisteren herinnerde ik me hem.	دیروز من به یاد آوردم او را.
---------------------------------------	------------------------------

- **مفعول مستقیم** بعد از مفعول غیر مستقیم قرار میگیرد، مگر آنکه مفعول مستقیم یک ضمیر شخصی باشد:

Zij geeft haar vriend Lof der zotheid van Erasmus .	او (مؤنث) داد به دوست خودش Lof der zotheid اثر اراسموس.
--	--

Zij geeft hem Lof der zotheid van Erasmus .	او (مؤنث) داد به او (مذکر) Lof der zotheid اثر اراسموس.
--	--

Zij heeft het haar vriend.	او (مؤنث) داد آن را به دوست خودش.
-----------------------------------	-----------------------------------

Zij geeft het hem.	او (مؤنث) داد آن را به او (مذکر).
---------------------------	-----------------------------------

- **مفعول (مستقیم) معین** درست بعد از فعل صرف شده، یا در میان جمله جای میگیرد، اما **مفعول (مستقیم) نامعین** بیشتر در اواخر جمله قرار میگیرد.

Ik heb de tweeling gisteren nog gezien.	من دیدم دوقلو ها را فقط دیروز.
--	---------------------------------------

Ik heb gisteren de tweeling nog gezien.	من فقط دیروز دوقلو ها را دیدم.
--	---------------------------------------

Ik heb gisteren in dit restaurant nog een tweeling gezien.	من فقط دیروز در این رستوران یک دوقلو را دیده ام.
---	---

⁵³ به فصل 2 رجوع کنید.
⁵⁴ موقعیت پیشوند یک فعل جداشونده در فصل 27 مورد بحث قرار گرفته است. برای موقعیت ساختار **te ... om + مصدر** به فصل بعد رجوع کنید.

گرایش قدرتمندی وجود دارد که اصطلاحات **زمان** را قبل از اصطلاحات **طرز رفتار** ⁵⁵ و اصطلاحات **مکان** یا **جهت** قرار دهد:

Ik ga op zaterdag naar de markt.	من میروم شنبه به بازار.
Ik ga morgen met de trein naar Amsterdam.	من میروم فردا با ترن به آمستردام.

ب: ترتیب کلمات در میان گروهی از حالت های دیگر فعل

• **اسم مفعول** مکان آخر را به خود اختصاص میدهد:

Ik heb gisteren zelf gekookt.	من دیروز خودم آشپزی کرده بودم.
-------------------------------	--------------------------------

• **مصدر** مکان آخر را به خود اختصاص میدهد. اگر بیش از یک فعل در جمله موجود باشد، **فعل اصلی** مکان آخر را به خود اختصاص می دهد:

Hij blijft vanavond bij ons eten.	او خواهد ماند امشب با ما برای خوردن.
Hij wil vanavond bij ons blijven eten.	او (مذکر) میخواهد امشب با ما بماند برای خوردن.
Hij zou vanavond bij ons willen blijven eten.	او (مذکر) مایل است بماند امشب با ما برای خوردن.

با وجود آنکه دانستن قواعد بسیار سودمند و نیکو است، اما باید توجه داشته باشیم که ترتیب کلمات در زبان هلندی کاملاً انعطاف پذیر است. هر قدر که بیشتر زبان هلندی را بیاموزیم، استثناء های بیشتری را کشف میکنیم!

20- افعال (8) : مصدر با te و بدون te

الف: مصدر های بدون te

پیش از این دیدیم که **افعال کمکی** kunnen, moeten, mogen, willen, zullen با یک مصدر **بدون te** ترکیب میشوند:

Ik kan/moet/mag/wil/zal morgen **komen**.

چند **فعل معدود دیگر** نیز وجود دارند که با مصدر **بدون te** ترکیب میشوند که در مثال های ذیل، زیر آنها خط کشیده شده است :

gaan, komen, blijven, horen, zien, voelen, laten:

Ik ga vanavond hard studeren.	من میخواهم امشب سخت درس بخوانم.
Hij komt morgen bij ons eten.	او (مذکر) خواهد آمد فردا با ما غذا بخورد.

⁵⁵ منظور به شیوه ای است که یک عمل بدان طریق صورت میگیرد: met de trein (با ترن).

Wij blijven vanavond niet slapen .	ما نخواهیم ماند امشب برای خواب.
Wij horen de baby huilen .	ما میشنویم گریه کردن کودک را.
Ik zie mijn neef Jan daar lopen .	من میبینم که پسر عمویم جان در آنجا قدم میزند.
Ik voel de de mug bijten .	من حیس میکنم پشه مرا نیش میزند.
Hij laat anderen voor zich werken .	او (مؤنث) اجازه داد دیگران کار کنند برایش.

ب: مصدر های با **te**

تمام افعال دیگر که میتوانند با یک مصدر ترکیب شوند، با یک مصدر با **te** ترکیب میشوند.

چند مثال:

beginnen te	آغاز کردن
beloven te	قول دادن
blijken te	ظاهر شدن
durven te	جرات کردن
hoeven te ⁵⁶	نیازی نیست
lijken te	به نظر آمدن/ شبیه بودن
proberen te	کوشش کردن
schijnen te	به نظر آمدن
vergeten te	فراموش کردن
weigeren te	رد کردن

Het begint te regenen.	آن (آسمان) شروع به باریدن کرد.
Het kind belooft het nooit meer te doen.	کودک قول میدهد که هرگز دوباره آنرا انجام ندهد.
Hij blijkt toch te komen.	معلوم شد که او (مذکر) سرانجام خواهد آمد.
Ik durf niet te zwemmen.	من جرات نمیکنم شنا کنم.
Ik probeer toch naar Amsterdam te komen.	من قول میدهم که به هر طریقی به آمستردام بیایم.
Hij vergeet een kaartje te kopen.	او (مذکر) فراموش کرد که یک بلیت بخرد.

مورد ویژه در این گروه، فعل **hoeven** است که همیشه با یکی از کلمات منفی (**geen/niet**)⁵⁷ می آید و قرینه منفی **moeten** را شکل میدهد و اگر با یک مصدر ترکیب شود، **te** باید افزوده شود.

Ik hoef geen huiswerk te maken.	من نیازی به انجام تکلیف خانه ندارم.
Hij hoeft vanavond niet te komen.	او (مذکر) امشب نیازی به آمدن ندارد.

ب: بیان دو عمل همزمان با کمک **te**

اگر دو عمل در یک زمان صورت بگیرد، زبان هلندی برای نشان دادن این وضعیت ساختار ویژه ای دارد: فعل صرف شده + **te** + مصدر. فعل صرف شده میتواند فقط یکی از افعال زیر باشد:

⁵⁶ در ترکیب با **geen** و **niet** به این معنی میباشد.

⁵⁷ به فصل 10 در رابطه با منفی کردن، نیز رجوع کنید.

staan	ایستادن
zitten	نشستن
liggen	دراز کشیدن
lopen	راه رفتن
hangen	آویختن

فعل صرف شده اشاره به عمل **اول** دارد و **مصدر** نشانگر عمل **دوم** است:

Hij staat te praten.	او (مذکر) ایستاده و صحبت میکند.
Ik zit een boek te lezen.	من نشسته و یک کتاب میخوانم.
Zij ligt te slapen.	او دراز کشیده و میخوابد.
Jij loopt te dromen.	تو راه میروی و رویا مبینی.
De was hangt te drogen.	لباس های شسته، آویخته و خشک میشوند.

ت: ساختار تشکیل شده با **te (...)** **om** + مصدر

در ساختار **om te** + مصدر، **om** میتواند نشانگر مقصودی باشد:

Ik heb een cursus gevolgd om te leren koken.
من یک دوره را گذرانده ام به منظور یادگیری آشپزی.

Ik ben gisteren naar Amsterdam gegaan om een expositie te bezoeken.
من دیروز به آمستردام رفته بودم تا از یک نمایشگاه دیدار کنم.

• ساختار **te** + صفت + **te (...)** **om** + مصدر نیز ممکن است:

Ik ben te moe om te studeren.	من هستم بسیار خسته برای درس خواندن.
Het is te laat om naar de supermarkt te gaan.	بسیار دیر است برای سوپر مارکت رفتن.

• ساختار **om (...)** **te** + مصدر، ضمیر شخصی **het** را که پیش از آن قرار گرفته، مشخص میکند:

Ik haat het om die onregelmatige werkwoorden te leren.
من متنفرم از یادگیری این افعال بیقاعده.

Het is veel leuker om naar het strand te gaan.
این بسیار خوبتر است که به ساحل رفت.

• اگر **zin hebben** با **te (...)** **om** + مصدر ترکیب شود، این حالت شکل میگیرد: ⁵⁸

Ik heb zin om vanavond naar Amsterdam te gaan.
من حس میکنم دوست دارم بروم به آمستردام امشب.

⁵⁸ ساختار ممکن دیگر با **zin hebben**، گروه قیدی با **in** است: **Ik heb zin in koffie** (من میل دارم به قهوه).

توجه داشته باشیم که **te (...)** + **om** + **مصدر** در **آخر** جمله، حتی بعد از قسمت های دیگر غیر فعلی و اشکال دیگر فعل، قرار داده شده است

21- افعال (9) : زمان آینده

زبان هلندی یک فعل کمکی به نام **zullen** برای آینده دارد، لیکن به ندرت از آن استفاده میشود. معمولاً از فعل اصلی در زمان حال استفاده میشود و از جویای جمله مشخص میشود که اشاره به آینده دارد یا خیر. گاهی اوقات قیودی نظیر **morgen (فردا)**، **volgende week (هفته ی آینده)** و غیره به منظور مشخص کردن اضافه میشوند:

Ik werk morgen niet.

من کار نمی کنم فردا.

Ik doe volgende maand rijexamen.

من ماه آینده یک امتحان رانندگی خواهم داشت.

فعل **gaan** نیز به منظور اشاره به آینده و معمولاً با یک مصدر مورد استفاده قرار میگیرد:

Volgend jaar ga ik in Amerika studeren.
--

سال آینده من میروم در آمریکا درس بخوانم.

از فعل کمکی **zullen** در موقعیت های رسمی استفاده میشود. برای مثال میتوان به اطلاعیه ها در ایستگاه های قطار اشاره کرد:

De trein naar Leiden zal over enkele ogenblikken aankomen op spoor 5.
--

ترن لایدن بعد از مدت کوتاهی خواهد رسید به سکوی 5.

22- افعال (10) : حالت مجهول

حالت مجهول، دربردارنده ی یک فعل کمکی به اضافه اسم مفعول فعل اصلی است ⁵⁹. فعل کمکی **worden** برای زمان حال و زمان گذشته ی ساده و فعل کمکی **zijn** برای زمان حال کامل و زمان گذشته ی کامل مورد استفاده قرار میگیرد.

حالت مجهول، در اصل یک جمله ی اصلی (پایه) معمولی است که با تغییر **مفعول** جمله ی **معلوم** به **فاعل**، به صورت دیگری در آورده شده است. گاهی اوقات فاعل اصلی نیز افزوده میشود. در این حالت حرف اضافه ی **door** پیش از فاعل اصلی آورده میشود.

در مثال های زیر، ابتدا حالت معلوم و سپس حالت مجهول آورده شده است:

Ik heb deze boeken gekocht.	من خریده ام این کتاب ها را.
-----------------------------	-----------------------------

Deze boeken zijn door mij gekocht. ⁶⁰	این کتاب ها خریداری شدند (توسط من).
---	-------------------------------------

⁵⁹ برای اسم مفعول به فصول 17 و 18 و ضمیمه I رجوع کنید.

⁶⁰ (زمان حال کامل) / **zijn** / (زمان گذشته ی ساده) **werden** / (زمان حاضر) **worden** / **Deze boeken door mij gekocht.** (زمان گذشته ی کامل) **waren** /

اغلب به فاعل جمله ی معلوم، اشاره نمیشود:

De arts opereert mij volgende week.	پزشک عمل خواهد کرد مرا هفته ی آینده.
Ik word volgende week [-] geopereerd.	من هفته آ آینده عمل خواهم شد (توسط پزشک)

Hij heeft de beste studenten geselecteerd.	او بهترین دانشجویان را انتخاب کرده است.
De beste studenten zijn [-] geselecteerd.	بهترین دانشجویان انتخاب شده اند. (توسط او)

فاعل در حالت مجهول ممکن است حتّی واضح نباشد و در این صورت هیچ فاعلی در کار نخواهد بود. در این صورت **er** به عنوان فاعل گرامری مورد استفاده قرار میگیرد:

Er wordt gebeld. Wie kan dat zijn?	زنگ در زده شد. چه کسی میتواند باشد؟
Er wordt vanavond veel gelachen.	امشب خنده ی زیادی بود.

23- جملات مرکّب (1) : اتصال جمله های پایه به یکدیگر

یک جمله ی مرکّب ممکن است از دو جمله ی پایه تشکیل شده باشد که با یک **حرف ربط** **همپایه**⁶¹ به هم مرتبط شده باشند. حرف ربط همپایه ترتیب کلمات را به هم نمیزند: هر دو فعل صرف شده در مکان دوم قرار میگیرند. حرف ربط خودش جایی در جمله دوم ندارد، بنابراین **بعد** از حرف ربط، دوباره ترتیب کلمات آغاز میشود. حروف ربط همپایه اینها هستند:

en	و
maar	اما
want ⁶²	زیرا
of	یا
dus	بنابراین

مثال ها:

Jan slaapt en Marie kookt.	جان خواب است و مری در حال آشپزی است.
Jan slaapt maar Marie kan niet slapen.	جان خواب است اما مری نمی تواند بخوابد.
Jan slaapt want hij is erg moe.	جان خواب است زیرا وی بسیار خسته است.
Jan werkt nog of hij is op weg naar huis.	جان در حال کار است یا او است در مسیر خانه.
Jan is moe dus hij gaat naar bed.	جان خسته است بنابراین او میرود به بستر.

حرف ربط همپایه **of** میتواند دو جمله سوآلی (بسته یا آری/نه)⁶³ را که فعل در اوّل آنها قرار گرفته است، به هم ربط دهد. فعل صرف شده در اوّل جمله می آید:

⁶¹ حرف ربط همپایه یک جمله را هم پایه جمله ی دیگر میکند.
⁶² **want** در ترتیب کلمات جمله ی پایه، کلمه ی نخستین است.
⁶³ به فصل 6 رجوع کنید.

Ga je mee of blijf je thuis?	می آیی تو یا من یا می مانی تو در خانه؟
-------------------------------------	--

Kom jij bij mij of kom ik bij jou?	می آیی تو به نزد من یا بیایم من نزد تو؟
---	---

24- جملات مرکب (2) : اتصال جمله های پایه و پیرو به یکدیگر

الف: ترتیب کلمات در جمله ی پایه

یک جمله ی مرکب که از یک **جمله ی پایه** و یک **جمله ی پیرو** تشکیل شده است، میتواند هم با **جمله ی پایه** و هم با **جمله ی پیرو** آغاز شود. اگر **جمله ی پایه** در ابتدا بیاید، ترتیب کلمات در **جمله ی پایه** به مانند روال معمول است. **فعل** در مکان دوم قرار میگیرد و فاعل در مکان اول و اگر وارونگی رخ داده باشد، فاعل در مکان سوم قرار میگیرد:

<i>Ik ga vanavond naar de film</i> als ik genoeg tijd heb.

من میروم امشب به سینما ، اگر من وقت کافی داشته باشم.

Vanavond <i>ga ik</i> naar de film als ik genoeg tijd heb.

امشب میروم من به سینما ، اگر من وقت کافی داشته باشم.

اگر از سوی دیگر، اگر جمله با **جمله ی پیرو** آغاز شود، تمام **جمله ی پیرو** در آغاز جمله ی مرکب قرار میگیرد، **فعل** صرف شده در مکان دوم به مانند روال معمول قرار میگیرد و فاعل فعل صرف شده در مکان سوم قرار میگیرد:

Als ik genoeg tijd heb ⁶⁴ , <i>ga ik</i> vanavond naar de film.

اگر من وقت کافی داشته باشم، میروم من امشب به سینما .

این وارونگی در **جمله ی پایه** میتواند اینگونه توجیه شود که فقط یک **قید** میتواند جایگزین **تمام جمله ی پیرو** شود:

Dan <i>ga ik</i> vanavond naar de film.
--

آنگاه میروم من امشب به سینما .

مثال دیگری برای نشان دادن این مطلب:

Nadat ik boodschappen heb gedaan, <i>ga ik</i> eten koken.

بعد از اینکه من خریدم را انجام دادم، میروم من برای پختن شام .
--

Daarna <i>ga ik</i> eten koken.
--

بعد از آن، میروم من برای پختن شام .
--

⁶⁴ اگر در پی فعل صرف شده جمله ی پیرو، فعل صرف شده ی جمله ی پایه بیاید، یک ویرگول در میان آنها بگذارید.

ب : ترتیب کلمات در جمله ی پیرو

فعل صرف شده در جمله ی پیرو، همانطور که در مثال های بالا نشان داده شد، به آخر جمله میرود. اگر افعال بیشتری در جمله ی پیرو موجود بود، آنها نیز در انتهای جمله ی پیرو قرار میگیرند. **فعل صرف شده** معمولاً قبل از این افعال دیگر (مصدرها و اسم مفعول) قرار میگیرد:

Ik weet dat hij dat niet doet.	من میدانم که او (مذکر) آنرا نکرده است.
Ik weet dat hij dat niet heeft gedaan.	من میدانم که او (مذکر) آنرا انجام نداده است.

Ik weet dat hij dat nooit had kunnen doen.	من میدانم که او (مذکر) هرگز قادر به انجام آن نبوده است.
---	--

جملات پیرو با یک حرف ربط وابسته ساز⁶⁵ آغاز میشوند. زبان هلندی فقط معدودی از آنها را دارد!

ب: حروف ربط وابسته ساز

• یک گروه بزرگ از آنها، حروف ربط زمان میباشند:

als, wanneer ⁶⁶	کی، چه وقت
toen ⁶⁷	چه وقت
totdat	تا
voordat	پیش از این
nadat ⁶⁸	بعداً
terwijl	مادام
sinds ⁶⁹	ازوقتی که
zodra	به محض اینکه

• حروف ربط دیگر اینها هستند:

omdat ⁷⁰	زیرا
doordat ⁷¹	زیرا
zodat	به طوریکه، در نتیجه
als, indien ⁷²	اگر
tenzij	مگر اینکه
hoewel	هرچند
zoals	به طوریکه، به قدریکه

⁶⁵ حرف ربط وابسته ساز جمله ی پیرو را به به جمله ی پایه ربط میدهد.

⁶⁶ همیشه با زمان حاضر ترکیب میشود.

⁶⁷ همیشه با زمان گذشته ی ساده ترکیب میشود.

⁶⁸ همیشه با زمان کامل ترکیب میشود.

⁶⁹ حرف ربط وابسته ساز *sinds* را با حرف اضافه ی *sinds* اشتباه نگیرید. به ضمیمه 5 رجوع کنید.

⁷⁰ در ترتیب کلمات جمله ی پیرو *omdat*، کلمه ی نخستین است.

⁷¹ حتی برای هلندی ها نیز دشوار است که تفاوت بین *omdat* و *doordat* را دریابند. *omdat* به دلیل

(*reason*) و *doordat* به علت (*cause*) اشاره دارند.

⁷² *indien* برای زبان نوشتاری است. *als* برای زبان نوشتاری و محاوره است.

برای نشان دادن چگونگی استفاده از این حروف ربط، مثالهایی در اینجا آورده میشود. به ترتیب کلمات هم در جمله ی پایه و هم در جمله ی پیرو توجه می نمایم:

Wanneer ik klaar ben, roep ik je.

وقتی که من آماده شدم، تلفن میزنم من به تو.

Toen het begon te regenen, ging ik naar huis.

وقتی که آن (آسمان) شروع به باریدن کرد، رفتم من به خانه.

We blijven hier staan **totdat** de trein komt.

ما میمانیم اینجا تا ترن بیاید.

Je moet je handen wassen **voordat** je gaat eten.

تو باید دستهایت را بشویی، **پیش از آنکه** شروع به خوردن کنی.

Nadat ik heb opgeruimd, ga ik naar bed.

بعد از اینکه من نظافت کردم، میروم من به بستر.

Hij fluit **terwijl** hij onder de douche staat.

او (مذکر) سوت میزند **هنگامی که** او زیر دوش ایستاده است.

Sinds zij in Leiden woont, zien we haar nooit meer.

از وقتی که او (مؤنث) در لایدن زندگی میکند، نمیبینیم ما او را هرگز دوباره.

Ik bel je **zodra** ik iets meer weet.

من تلفن میزنم به تو، **به محض اینکه** چیز بیشتری بدانم.

Ik ga niet met vakantie **omdat** ik geen geld heb.

من نمی روم به تعطیلات، **برای اینکه** پول ندارم.

Doordat de trein vertraging had, kwam ik te laat.

به سبب آنکه ترن تأخیر داشت، آمدم من دیر.

Ik heb geld gespaard, **zodat** ik met vakantie kan.

من پول پس انداز کرده ام، **در نتیجه** من به تعطیلات میتوانم بروم.

Als je morgen langs wilt komen, moet je me van tevoren bellen.

اگر تو فردا میخواهی بیایی، بایستی تو قبلاً به من تلفن بزنی.

Ik kan niet met jullie mee, **tenzij** ik een dag vrij kan krijgen.

من نمیتوانم به تو ملحق شوم، **مگر آنکه** من یک روز مرخصی بگیرم.

Je spreekt dit woord uit **zoals** je het schrijft.

تو باید تلفظ کنی آن کلمه را، **به طوریکه** نوشته شده است.

ب: نقل قول غیر مستقیم

یک نوع ویژه از جملات پیرو، نقل قول های غیر مستقیم میباشند. به طور تحت اللفظی نقل قول غیر مستقیم، بازگویی نقل قول مستقیم است. اما در یک مفهوم گسترده تر، نقل قول

غیر مستقیم میتواند هر نوع سؤال یا اظهار غیر مستقیم باشد. سؤالات و اظهارات غیر مستقیم از قواعد ترتیب کلمات برای جملات پیرو تابعیت میکند. ارتباط بین جمله ی پایه و پیرو با حروف ربط زیر میتواند برقرار شود:

الف: حرف ربط وابسته ساز **dat**⁷³: آغاز اظهارات غیر مستقیم.

ب: حرف ربط وابسته ساز **of**⁷⁴: آغاز سؤالات غیر مستقیم آری یا نه.

پ: ادات پرسش: آغاز سؤال های غیر مستقیم دیگر.⁷⁵

مثال های پایین با نقل قول واژه به واژه (نقل قول مستقیم) یا جمله ی مستقیم آغاز میشود. به ترتیب کلمات توجه کنیم.

الف: نقل قول غیر مستقیم با حرف ربط وابسته ساز **dat**

Kees zegt: "Ik heb honger."	کیس میگوید: " من گرسنه ام."
Kees zegt dat hij honger heeft.	کیس میگوید که او گرسنه است.
Hij komt morgen.	او (مذکر) خواهد آمد فردا.
Ik hoop dat hij morgen komt.	من امیدوارم که او (مذکر) فردا بیاید.
Ik denk dat hij morgen komt.	من فکر میکنم که او (مذکر) فردا بیاید.

ب: سؤال غیر مستقیم با **of**

Jan vraagt: "Wil jij een appel?"	یان می پرسد: " میخواهی تو یک سیب؟"
Jan vraagt of jij een appel wilt.	یان میپرسد که تو یک سیب میخواهی؟
Komt hij morgen?	خواهد آمد او (مذکر) فردا؟
Ik weet niet of hij morgen komt.	من نمیدانم که او (مذکر) فردا خواهد آمد.
Ik zal vragen of hij morgen komt.	من خواهم پرسید که او (مذکر) فردا خواهد آمد؟

ت: سؤال های غیر مستقیم دیگر با یک کلمه ی سؤالی

Anne vraagt: " Waar ga je naartoe ?"	آن میپرسد: " کجا میروی تو؟"
Anne vraagt waar je naartoe gaat.	آن میپرسد کجا تو میروی؟
Wat komt hij doen?	چرا می آید او (مذکر) ؟
Ik weet niet wat hij komt doen.	من نمیدانم چرا او (مذکر) خواهد آمد؟
Het is niet duidelijk wat hij komt doen.	مشخص نیست چرا او (مذکر) خواهد آمد.

⁷³ این حرف ربط **dat** را با ضمیر اشاره ی **dat** (به فصل 11 رجوع کنید) و ضمیر موصولی **dat** اشتباه نگیرید. (به فصل 25 رجوع کنید).

⁷⁴ این حرف ربط وابسته ساز **of** را با حرف ربط همپایه **of** اشتباه نگیرید. (به فصل 23 رجوع کنید).

⁷⁵ فصل 6 راجع به سؤال ها را نیز ببینید.

25- ضمایر (4) : ضمایر موصولی

الف : ضمایر موصولی **die** و **dat**

- **die** در اشاره به موارد ذیل به کار میرود:
 - اشخاص.
 - یک **de-word** مفرد.
 - تمامی اسامی جمع بدون توجه به **de-word** یا **het-word** بودن آنها.

مثال ها:

De man **die** daar loopt, is mijn buurman.

مردی که آنجا قدم میزند، است همسایه ی من.

De huizen **die** kort geleden zijn verkocht, zijn 10 jaar oud.

خانه هایی که اخیراً فروخته میشوند، هستند 10ساله.

- **dat** در اشاره به مورد ذیل به کار میرود:

- یک **het-word** مفرد.

مثال ها:

Het huis **dat** kort geleden is verkocht, is 10 jaar oud.

آن خانه که اخیراً فروخته میشود، است 10 ساله.

Het kind **dat** huilt, is gevallen.

آن بچه که گریه میکند، افتاده است.

ب: ضمیر موصولی **wat** (که)

بعد از کلمات ذیل، ضمیر موصولی **wat** مورد استفاده قرار میگیرد:

alles	هر چیز
iets	چیزی
niets	هیچ چیز
veel	بسیار
weinig	کمی، اندکی

مثال ها:

Alles **wat** je hier ziet, heb ik zelf gemaakt.

هر چیزی که تو در اینجا میبینی، من خودم ساخته ام.

Er is niet veel **wat** ik niet lekker vind.

چیز زیادی نیست که من دوست نداشته باشم. (غذا)

اگر به تمام جمله ارجاع داده شود، در این صورت نیز از **wat** استفاده میشود:

We gaan morgen naar Amsterdam, **wat** ik heel leuk vind.

ما میرویم فردا به آمستردام، که من بسیار دوست دارم.

پ: ضمیر موصولی **waar** (کجا)

ضمیر موصولی **waar** به مکان اشاره میکند:

Ik woon in de stad **waar** ik geboren ben.

من در شهری زندگی میکنم که در آنجا زاده شده ام.

De winkel **waar** ik deze heerlijke broodjes koop, is vlakbij.

فروشگاهی که از آنجا من میخرم این نان و گوشت خوشمزه را، است نزدیک.

ت: ضمائر موصولی **wie** و **wat** + حروف اضافه

ضمائر موصولی **wie** و **wat** ممکن است با یک حرف اضافه ترکیب شوند. با چنین ترکیب هایی قواعد ذیل را به کار میبریم.⁷⁶

- حرف اضافه + **wie**، در اشاره به اشخاص به کار میروند.
- **waar** + حرف اضافه، در اشاره به اشیاء به کار میروند.⁷⁷

در اشاره به اشخاص:

De docent **op wie** ik wacht, is er nog niet.⁷⁸

معلمی که من برای او من منتظرم، هنوز در اینجا نیست.

در اشاره به اشیاء:

De film **waar** ik naar kijk, is heel goed.⁷⁹

فیلمی که من دارم نگاه میکنم، بسیار خوب است.

26- جملات مرکب (3) : جمله های پیرو موصولی

جمله پیروی موصولی با یک ضمیر موصولی آغاز میشود. این نوع جمله پیرو اغلب درست بعد از کلمه یا گروه کلماتی قرار میگیرند که به آن ارجاع داده میشوند. در نتیجه یک جمله ی پیروی موصولی ممکن است که در وسط یک جمله قرار بگیرد. ترتیب کلمات در جمله

⁷⁶ فصل 6 راجع به سؤال ها را نیز ببینید.

⁷⁷ **waar** + حرف اضافه جایگزین ترکیب حرف اضافه + **wat** میشود.

⁷⁸ در زبان محاوره بسیاری از هلندیها برای اشاره به اشخاص از ترکیب **waar** + حرف اضافه استفاده میکنند که کاملاً غلط است.

⁷⁹ **de film waarnaar ik kijk ...** نیز میتواند ممکن باشد، اما معمولاً کلماتی نظیر **waarnaar** از هم جدا میشوند. (به فصل 6 نیز رجوع کنید).

پیروی موصولی به مانند جملات پیروی دیگر است و فعل صرف شده و اشکال دیگر فعل در انتهای جمله ی پیرو قرار میگیرد.

De man **die in dat huis woont**, is al erg oud.

مردی که در آن خانه زندگی میکند، هم اکنون بسیار سالخورده است.

Het boek **dat ik gisteren gekocht heb**, is een cadeau voor mijn moeder.

آن کتاب که من دیروز خریده ام، است یک کادو برای مادر من.

گاهی اوقات جمله ی پیروی موصولی در مکان بسیار دورتری در جمله قرار داده میشود. از محتوای جمله مشخص میشود که جمله ی پیروی موصولی به کدام کلمه اشاره دارد:

Hij heeft mij een foto gestuurd, **die ik erg leuk vind**.

او برای من یک عکس فرستاده است، که من بسیار دوست دارم.

27- افعال (11) : افعال جدا شونده و جدا ناشونده

تعدادی از افعال با یک **پیشوند** آغاز میشوند که ممکن است مؤکد یا نامؤکد باشند. یک دیکشنری خوب پیشوند مؤکد یا نامؤکد را مشخص میکند.

نمونه هایی از پیشوند های **نامؤکد** *be, ge, her, ont, ver* هستند. در زیر هجاهای مؤکد در مثال های زیر، خط کشیده شده است. این افعال **جدا ناشونده** هستند.

beginnen	شروع کردن
gebeuren	اتفاق افتادن
herkennen	شناختن، بجا آوردن
ontmoeten	ملاقات کردن
veranderen	تغییر کردن

توجه: این افعال جدا ناشونده در حالت اسم مفعول به خاطر پیشوند غیر مؤکدشان *ge* نمیگیرند.⁸⁰

افعالی که با یک **پیشوند مؤکد** آغاز میشوند، **جدا شونده** هستند. این **پیشوند مؤکد**، معنی فعل اصلی را عوض میکند. به مثال هایی از فعل *nemen* (گرفتن) توجه نمایید:

aannemen	پذیرفتن
afnemen	کاستن، پایین آمدن
doornemen	مرور کردن
innemen	درز گرفتن لباس
meenemen	برداشتن با خود
opnemen	برداشتن پول، برداشتن گوشی تلفن
overnemen	به عهده گرفتن
toenemen	افزودن، بالا رفتن

اگر برای **معنی** یک فعل در دیکشنری جستجو میکنیم، باید مراقب باشیم که ممکن است فعل مورد نظر جداشونده باشد و پیشوند جداشونده باید در جای دیگری از جمله قرار داشته باشد

⁸⁰ به فصل 17 در مورد زمان کامل افعال باقاعده نیز رجوع کنید.

(غالباً در نزدیکی پایان جمله است). معنی را فقط میتوان در ذیل مصدر کامل به انضمام پیشوند پیدا کرد.

توجه: یک فعل جداشونده، گاهی جدا نمیشود.

• چه در زمان حال و چه در زمان گذشته ی ساده، فعل صرف شده در جمله ی پایه جدا شونده است. پیشوند معمولاً آخرین مکان را در جمله به خود اختصاص میدهد.

در مثال های زیر، افعال جدا شونده **meenemen** و **opbellen** را به کار میبریم:

Ik neem dit boek mee.

من این کتاب را با خودم میبرم.

Ik bel je morgen op.

من فردا به تو تلفن میزنم.

• فعل جدا شونده در حالت امری نیز از هم جدا میشود:

Neem dit boek mee!

بردار این کتاب را با خودت.

Bel me morgen op!

تلفن بزن به من فردا.

• وقتی که به صورت یک مصدر با **te** مورد استفاده قرار میگیرد، از هم جدا میشود:

Hij belooft het morgen mee te nemen.

او قول داد فردا آن را بیاورد.

Jij hoeft me vanavond niet op te bellen.

تو نیاز نداری که امشب به من تلفن بزنی.

• اگر اسم مفعول باشد از هم جدا می شود. اسم مفعول یک فعل جدا شونده با گذاشتن **ge** در بین پیشوند و فعل ساخته میشود:

Ik weet dat hij me gisteren heeft opgebeld.

من میدانم که او (مذکر) به من دیروز تلفن زده است.

Ik heb dit boek voor jullie meegenomen.

من این کتاب را برای تو آورده ام.

• اگر فعل جدا شونده به صورت مصدر در ترکیب با یک فعل کمکی مورد استفاده قرار بگیرد، از هم جدا نمیشود:

Ik wil dit boek meenemen.

من میخواهم این کتاب را با خود داشته باشم.

Ik zal je morgen opbellen.

من فردا خواهم به تو تلفن زد.

- در نهایت فعل صرف شده ی یک فعل جدا شونده در جمله ی پیرو از هم جدا نمیشود و در انتهای جمله پیرو در شکل جدا نشده اش ظاهر میشود:

Ik weet dat hij het boek niet **meeneemt**.

من میدانم که (او) قصد ندارد بیاورد کتاب را.

Ik hoop dat je me morgen **opbelt**.

من امیدوارم که تو به من فردا تلفن بزنی.

ضمائم (APPENDICES)

افعال بی قاعده	I
اعداد	II
واحد های شمارش	III
تاریخ و وقت	IV
حروف اضافه	V
قیود	VI
ارجاع به اشخاص و اشیاء	VII
واژگان ابراز شیگفتی	VIII
اصطلاحات مقدماتی گرامر هلندی	IX
حروف اختصاری	X

ضمیمه I : افعال بیقاعده

هر چند که افعال ذیل بیقاعده است، ولیکن در عین بیقاعدگی، قواعدی در آنها یافت میشود. در ابتدا مصدر، مفرد و جمع زمان گذشته ی ساده و در نهایت اسم مفعول به همراه حالت سوم شخص مفرد از فعل کمکی را خواهیم آورد.⁸¹ معانی ارایه داده شده در ذیل، یگانه معانی این افعال نیست. برای یافتن معانی دیگر میتوان به دیکشنری های معتبر مراجعه نمود.

مصدر	گذشته ی ساده: مفرد/جمع	زمان کامل مفرد	
------	------------------------	----------------	--

ij	ē	ē	معنی
----	---	---	------

begrijpen	begreep, begrepen	heeft begrepen	فهمیدن
beschrijven	beschreef, beschreven	heeft beschreven	توضیح دادن
blijken	bleek, bleken	is gebleken	ظاهر شدن
blijven	bleef, bleven	is gebleven	ماندن، باقی ماندن
kijken	keek, keken	heeft gekoken	نگریستن، تماشا کردن
krijgen	kreeg, kregen	heeft gekregen	گرفتن
lijken	leek, leken	heeft geleken	به نظر آمدن
ontbijten	ontbeet, ontbeten	heeft ontbeten	صبحانه خوردن
overlijden	overleed, overleden	is overleden	مردن، فوت شدن
rijden	reed, reden	heeft/is ⁸² gereden	سواری کردن، راندن
schijnen	scheen, schenen	heeft geschenen	به نظر آمدن، درخشیدن
schrijven	schreef, schreven	heeft geschreven	نوشتن
snijden	sneed, sneden	heeft gesneden	بریدن
verdwijnen	verdween, verdwenen	is verdwenen	ناپدید شدن
vergelijken	vergeleek, vergeleken	heeft vergeleken	مقایسه کردن
verwijzen	verwees, verwezen	heeft verwezen	رجوع کردن
wijzen	wees, wezen	heeft gewezen	اشاره کردن

ie	ō	ō	
----	---	---	--

bieden	bood, boden	heeft geboden	ارایه دادن
genieten	genoot, genoten	heeft genoten	لذت بردن
kiezen	koos, kozen	heeft gekozen	انتخاب کردن
liegen	loog, logen	heeft gelogen	دروغ گفتن
schieten	schoot, schoten	heeft geschoten	شلیک کردن
verbieden	verbood, verboden	heeft verboden	ممنوع کردن

⁸¹ برای افعال جدا شونده به فعل اصلی رجوع کنید. برای نمونه برای دانستن اشکال زمان گذشته ساده و گذشته کامل این افعال: aannemen, afnemen, doornemen, innemen, meenemen, opnemen, overnemen و غیره به فعل nemen رجوع می کنیم. معنی این افعال جداشونده فقط میتواند در زیر مصدر به انضمام پیشوند پیدا شود، بنابر این دیکشنری خود را چک کنید. (به فصل 27: افعال جدا شونده، نیز رجوع کنید).

⁸² اگر جهت یا مقصدی داده نشود: heeft و اگر جهت یا مقصدی داده شود، is را به کار میبریم. به فصل 17 رجوع کنید.

verliezen	verloor, verloren	(is)/heeft verloren	گم کردن
ui	ō	ō	
buigen	boog, bogen	heeft gebogen	خم شدن
ruiken	rook, roken	heeft geroken	بو دادن
sluiten	sloot, sloten	heeft gesloten	بستن، مسدود کردن
ē	ō	ō	
bewegen	bewoog, bewogen	heeft bewogen	حرکت کردن
scheren	schoor, schoren	heeft geschoren	تراشیدن مو
wegen	woog, wogen	heeft gewogen	وزن کردن
ī	ō	ō	
beginnen	begon, begonnen	is begonnen	شروع کردن
binden	bond, bonden	heeft gebonden	بستن
drinken	dronk, dronken	heeft gedronken	نوشیدن
schrikken	schrok, schrokken	is geschrokken	جا خوردن، یکه خوردن
springen	sprong, sprongen	heeft gesprongen	پریدن
stinken	stonk, stonken	heeft gestonken	بو دادن، بوی گند دادن
verbinden	verbond, verbonden	heeft verbonden	متصل شدن
vinden	vond, vonden	heeft gevonden	پیدا کردن
winnen	won, wonnen	heeft gewonnen	برنده شدن
zingen	zong, zongen	heeft gezongen	آواز خواندن
ě	ō	ō	
trekken	trok, trokken	heeft getrokken	کشیدن
vechten	vocht, vchten	heeft gevochten	جنگیدن
zenden	zond, zonden	heeft gezonden	فرستادن
zwemmen	zwom, zwommen	heeft gezwommen	شنا کردن
ě	ie	ō	
helpen	hielp, hielpen	heeft geholpen	کمک کردن
sterven	stierf, stierven	is gestorven	مردن
ē	ǎ, ā	ō	
bespreken	besprak, bespraken	heeft besproken	بحث کردن
breken	brak, braken	heeft gebroken	شکستن
nemen	nam, namen	heeft genomen	گرفتن
ontbreken	ontbrak, ontbraken	heeft ontbroken	غایب بودن، گم شدن
spreken	sprak, spraken	heeft gesproken	صحبت کردن
steken	stak, staken	heeft gestoken	سوراخ کردن، فرو بردن

ē	ǎ, ā	ē	
eten	at, aten	heeft gegeten	خوردن
genezen	genas, genažen	is genezen	التیام یافتن، بهتر شدن
geven	gaf, gaven	heeft gegeven	دادن
lezen	las, lazen	heeft gelezen	خواندن
vergeten	vergat, vergaten	is/heeft ⁸³ vergeten	فراموش کردن

ī	ǎ, ā	ē	
bidden	bad, baden	heeft gebeden	دعا کردن
liggen	lag, lagen	heeft gelegen	دراز کشیدن
zitten	zat, zaten	heeft gezeten	نشستن

ā	oe	ā	
dragen	droeg, droegen	heeft gedragen	حمل کردن
slaan	sloeg, sloegen	heeft geslagen	ضربه زدن
vragen	vroeg, vroegen	heeft gevraagd	خواستن، پرسیدن

افعال دیگر:

bezoeken	bezocht, bezochten	heeft bezocht	ملاقات کردن
brengen	bracht, brachten	heeft gebracht	آوردن
denken	dacht, dachten	heeft gedacht	اندیشیدن
kopen	kocht, kochten	heeft gekocht	خریدن
verkopen	verkocht, verkochten	heeft verkocht	فروختن
zoeken	zocht, zochten	heeft gezocht	جستجو کردن

doen	deed, deden	heeft gedaan	انجام دادن
gaan	ging, gingen	is gegaan	رفتن
staan	stond, stonden	heeft gestaan	ایستادن
verstaan	verstond, verstonden	heeft verstaan	فهمیدن، خوب شنیدن
zien	zag, zagen	heeft gezien	دیدن

houden	hield, hielden	heeft gehouden	نگه داشتن
laten	liet, lieten	heeft gelaten	اجازه دادن
lopen	liep, liepen	heeft/is ⁸⁴ gelopen	راه رفتن
roepen	riep, riepen	heeft geroepen	صدا زدن
slapen	sliep, sliepen	heeft geslapen	خوابیدن
vallen	viel, vielen	is gevallen	افتادن

hangen	hing, hingen	heeft gehangen	آویختن
vangen	ving, vingen	heeft gevangen	گرفتن

hebben	had, hadden	heeft gehad	داشتن
--------	-------------	-------------	-------

⁸³ هر دو حالت محتمل است.
⁸⁴ اگر جهت یا مقصدی داده نشود: heeft و اگر جهت یا مقصدی داده شود، is را به کار میبریم. به فصل 17 رجوع کنید.

komen	kwam, kwamen	is gekomen	آمدن
kunnen	kon, konden	heeft gekund	قادر بودن
moeten	moest, moesten	heeft gemoeten	مجبور بودن
mogen	mocht, mochten	heeft gemogen	مجاز بودن
weten	wist, wisten	heeft geweten	دانستن
willen	wou/wouden ⁸⁵	heeft gewild	خواستن
worden	werd, werden	is geworden	شدن
zeggen	zei, zeiden	heeft gezegd	گفتن
zijn	was, waren	is geweest	بودن
zullen	zou, zouden	-	خواهم، خواهیم (فعل کمکی)

bakken	bakte, bakten	heeft gebakken	پختن
heten	heette, heetten	heeft geheten	نامیده شدن
lachen	lachte, lachten	heeft gelachen	خندیدن
raden	raadde, raadden	heeft geraden	حدس زدن
wassen	waste, wasten	heeft gewassen	شستن

همان فهرست به ترتیب الفبا:

bakken	bakte, bakten	heeft gebakken	پختن
beginnen	begon, begonnen	is begonnen	شروع کردن
begrijpen	begreep, begrepen	heeft begrepen	فهمیدن
beschrijven	beschreef, beschreven	heeft beschreven	توضیح دادن
bespreken	besprak, bespraken	heeft besproken	بحث کردن
bewegen	bewoog, bewogen	heeft bewogen	حرکت کردن
bezoeken	bezocht, bezochten	heeft bezocht	ملاقات کردن
bidden	bad, baden	heeft gebeden	دعا کردن
bieden	bood, boden	heeft geboden	ارایه کردن
binden	bond, bonden	heeft gebonden	به هم بستن
blijken	bleek, bleken	is gebleken	ظاهر شدن
blijven	bleef, bleven	is gebleven	ماندن، باقی ماندن
breken	brak, braken	heeft gebroken	شکستن
brengen	bracht, brachten	heeft gebracht	آوردن
buigen	boog, bogen	heeft gebogen	خم کردن
denken	dacht, dachten	heeft gedacht	فکر کردن
doen	deed, deden	heeft gedaan	کردن
dragen	droeg, droegen	heeft gedragen	حمل کردن
drinken	dronk, dronken	heeft gedronken	نوشیدن
eten	at, aten	heeft gegeten	خوردن
gaan	ging, gingen	is gegaan	رفتن
genezen	genas, genazen	is genezen	التیام یافتن، بهتر شدن
genieten	genoot, genoten	heeft genoten	لذت بردن
geven	gaf, gaven	heeft gegeven	دادن

⁸⁵ معمولاً زمان گذشته ی ساده ی با قاعده wilde/wilden به کار میرود. به فصل 18 رجوع کنید.

hangen	hing, hingen	heeft gehangen	آویختن
hebben	had, hadden	heeft gehad	داشتن
helpen	hielp, hielpen	heeft geholpen	کمک کردن
heten	heette, heetten	heeft geheten	نامیده شدن
houden	hield, hielden	heeft gehouden	نگه داشتن
kiezen	koos, kozen	heeft gekozen	انتخاب کردن
kijken	keek, keken	heeft gekeken	نگاه کردن، تماشا کردن
komen	kwam, kwamen	is gekomen	آمدن
kopen	kocht, kochten	heeft gekocht	خریدن
krijgen	kreeg, kregen	heeft gekregen	گرفتن
kunnen	kon, konden	heeft gekund	قادر بودن
lachen	lachte, lachten	heeft gelachen	خندیدن
laten	liet, lieten	heeft gelaten	اجازه دادن
lezen	las, lazen	heeft gelezen	خواندن
liegen	loog, logen	heeft gelogen	دروغ گفتن
liggen	lag, lagen	heeft gelegen	دراز کشیدن
lijken	leek, leken	heeft geleken	به نظر آمدن
lopen	liep, liepen	heeft gelopen	راه رفتن
moeten	moest, moesten	heeft gemoeten	مجبور بودن
mogen	mocht, mochten	heeft gemogen	مجاز بودن
nemen	nam, namen	heeft genomen	گرفتن
ontbijten	ontbeet, ontbeten	heeft ontbeten	صبحانه خوردن
ontbreken	ontbrak, ontbraken	heeft ontbroken	غایب بودن، گم شدن
overlijden	overleed, overleden	is overleden	مردن، فوت شدن
raden	raadde, raadden	heeft geraden	حدس زدن
rijden	reed, reden	heeft gereden	راندن
roepen	riep, riepen	heeft geroepen	صدا کردن
ruiken	rook, roken	heeft geroken	بو دادن
scheren	schoor, schoren	heeft geschoren	تراشیدن مو
schieten	schoot, schoten	heeft geschoten	شلیک کردن
schijnen	scheen, schenen	heeft geschenen	ظاهر شدن، درخشیدن
schrijven	schreef, schreven	heeft geschreven	نوشتن
schrikken	schrok, schrokken	is geschrokken	جا خوردن، یکه خوردن
slaan	sloeg, sloegen	heeft geslagen	ضربه زدن
slapen	sliep, sliepen	heeft geslapen	خوابیدن
sluiten	sloot, sloten	heeft gesloten	بستن
snijden	sneed, sneden	heeft gesneden	بریدن
spreken	sprak, spraken	heeft gesproken	صحبت کردن
springen	sprong, sprongen	heeft gesprongen	پریدن
staan	stond, stonden	heeft gestaan	ایستادن
steken	stak, staken	heeft gestoken	سوراخ کردن، فرو بردن
sterven	stierf, stierven	is gestorven	مردن
stinken	stonk, stonken	heeft gestonken	بو دادن، بوی گند دادن
trekken	trok, trokken	heeft getrokken	کشیدن
vallen	viel, vielen	is gevallen	افتادن
vangen	ving, vingen	heeft gevangen	گرفتن

vechten	vocht, vochten	heeft gevochten	جنگیدن
verbieden	verbod, verboden	heeft verboden	ممنوع کردن
verbinden	verbond, verbonden	heeft verbonden	متصل شدن
verdwijnen	verdween, verdwenen	is verdwenen	ناپدید شدن
vergelijken	vergeleek, vergeleken	heeft vergeleken	مقایسه کردن
vergeten	vergat, vergaten	heeft vergeten	فراموش کردن
verkopen	verkocht, verkochten	heeft verkocht	فروختن
verliezen	verloor, verloren	heeft verloren	گم کردن
verstaan	verstond, verstonden	heeft verstaan	فهمیدن، خوب شنیدن
verwijzen	verwees, verwezen	heeft verwezen	رجوع کردن
vinden	vond, vonden	heeft gevonden	پیدا کردن
vragen	vroeg, vroegen	heeft gevraagd	خواستن، سؤال کردن
wassen	waste, wasten	heeft gewassen	شستن
wegen	woog, wogen	heeft gewogen	وزن کردن
weten	wist, wisten	heeft geweten	دانستن
wijzen	wees, wezen	heeft gewezen	نشان دادن، خاطر نشان کردن
willen	wou/wouden	heeft gewild	خواستن
winnen	won, wonnen	heeft gewonnen	برنده شدن
worden	werd, werden	is geworden	شدن
zeggen	zei, zeiden	heeft gezegd	گفتن
zenden	zond, zonden	heeft gezonden	فرستادن
zien	zag, zagen	heeft gezien	دیدن
zijn	was, waren	is geweest	بودن
zingen	zong, zongen	heeft gezongen	آواز خواندن
zitten	zat, zaten	heeft gezeten	نشستن
zoeken	zocht, zochten	heeft gezocht	جستجو کردن
zullen	zou, zouden	-	خواهم، خواهیم (فعل کمکی)
zwemmen	zwom, zwommen	heeft gezwommen	شنا کردن

ضمیمه II : اعداد ⁸⁶

الف: اعداد اصلی

0= nul	20= <i>twintig</i>
1= <i>een</i> ⁸⁷	21= <i>eenentwintig</i>
2= <i>twee</i>	22= <i>tweëntwintig</i> ⁸⁸
3= <i>drie</i>	23= <i>drieëntwintig</i>
4= <i>vier</i>	24= <i>vierentwintig</i>
5= <i>vijf</i>	25= <i>vijfentwintig</i>
6= <i>zes</i>	26= <i>zesentwintig</i>
7= <i>zeven</i>	27= <i>zevenentwintig</i>
8= <i>acht</i>	28= <i>achtentwintig</i>
9= <i>negen</i>	29= <i>negenentwintig</i>
10= <i>tien</i>	30= <i>dertig</i>
11= <i>elf</i>	40= <i>veertig</i>
12= <i>twalf</i>	50= <i>vijftig</i>
13= <i>dertien</i>	60= <i>zestig</i>
14= <i>veertien</i>	70= <i>zeventig</i>
15= <i>vijftien</i>	80= <i>tachtig</i>
16= <i>zestien</i>	90= <i>negentig</i>
17= <i>zeventien</i>	
18= <i>achttien</i>	100= <i>honderd</i> ⁸⁹
19= <i>negentien</i>	200= <i>tweehonderd</i>

چند مثال:

274=	<i>tweehonderdvierenzeventig</i>
1.000=	<i>duizend</i> ⁹⁰
1.154=	<i>elfhonderdvierenvijftig</i> ⁹¹
5.432=	<i>vijfduizend vierhonderdtweëndertig</i>
1.000.000=	<i>een miljoen</i>

⁸⁶ اشکال بی قاعده به صورت ایتالیک آورده شده اند. برای تاریخ و وقت به ضمیمه IV مراجعه کنید.
⁸⁷ این *een*، حرف تعریف نا مؤکد نیست، بلکه عددی است که باید با *ē* بلند تلفظ شود و اغلب به صورت *één* نوشته میشود.

⁸⁸ این به اصطلاح سواگیری، نشانه ی شروع یک هجای جدید در اینجا است.

⁸⁹ *eenhonderd* صحیح نمیشود، بلکه *honderd* صحیح است.

⁹⁰ *duizend* صحیح نمی باشد، بلکه *eenduizend* صحیح است.

⁹¹ این حالت رایج نیست : *duizend honderdvierenvijftig* .

ب: اعداد ترتیبی

اعداد ترتیبی با افزودن **de** یا **ste** به اعداد اصلی ساخته میشوند:

1 ^e	eerste	اول	11 ^e	elfde	یازدهم
2 ^e	tweede	دوم	12 ^e	twaaftde	دوازدهم
3 ^e	derde	سوم	13 ^e	dertiende	سیزدهم
4 ^e	vierde	چهارم			
5 ^e	vijfde	پنجم	20 ^e	twintigste	بیستم
6 ^e	zesde	ششم	30 ^e	dertigste	سی ام
7 ^e	zevende	هفتم	40 ^e	veertigste	چهل
8 ^e	achtste	هشتم			
9 ^e	negende	نهم	100 ^e	honderdste	صدم
10 ^e	tiende	دهم	1000 ^e	duizendste	هزارم

پ: کمیت نما ها

کمیت نما های ذیل مکرراً برای اشاره به مقدار و تعداد مورد استفاده قرار میگیرند. بعضی از این کلمات که منحصرأ با اسامی جمع مورد استفاده قرار میگیرند، به **e** ختم میشوند:

veel	فراوان	veel water	آب فراوان
veel	بسیار	veel mensen	مردم بسیار
weinig	کم	weinig water	آب کم
weinig	محدود	weinig mensen	محدودی آدم
genoeg	کافی	genoeg water	آب کافی
genoeg	کافی	genoeg mensen	جمعیت کافی
wat	مقداری	wat water	مقداری آب
wat	تعدادی	wat mensen	معدودی آدم
enkele	چند	enkele mensen	چند نفر آدم
sommige	برخی	sommige mensen	برخی از مردم
verschillende	چندین	verschillende mensen	چندین نفر آدم
een paar	معدودی	een paar mensen	معدودی آدم

ت: چند اصطلاح

4 + 1 = 5	vier plus één is vijf	چهار به اضافه ی یک میشود پنج.
5 - 1 = 4	vijf min één is vier	پنج منهای یک میشود چهار.
2 x 2 = 4	twee keer twee is vier	دو ضرب در دو میشود چهار.
2 x 2 = 4	twee maal twee is vier	دو ضرب در دو میشود چهار.
4 : 2 = 2	vier gedeeld door twee is twee	چهار تقسیم بر دو میشود دو.

$\frac{1}{2}, 1\frac{1}{2}, 2\frac{1}{2}, 3\frac{1}{2}$	een half, ⁹² anderhalf, twee en een half, drie en een half
$\frac{1}{2}, \frac{1}{3}, \frac{1}{4}, \frac{1}{5}$	een tweede, een derde, een vierde, ⁹³ een vijfde
$\frac{1}{4}, \frac{2}{4}, \frac{3}{4}, \frac{4}{4}$	een kwart, twee kwart, drie kwart, vier kwart
$\frac{1}{100}, \frac{1}{1000}$	een honderdste, een duizendste
$\frac{9}{10}$	negen tiende
$\frac{1}{19}$	een negentiende

1 m^2	1 vierkante meter	یک متر مربع
1 m^3	1 kubieke meter	یک متر مکعب

⁹² یا: een tweede . به ردیف بعد رجوع کنید.
⁹³ یا: een kwart . به ردیف بعد رجوع کنید.

ضمیمه III : واحد های شمارش

به عنوان یک قاعده کلی در ارجاع به چیزی قابل شمارش، اگر به بیش از یک قلم ارجاع می‌دهیم، از واحد شمارش جمع استفاده می‌کنیم:

Hoeveel katten heb jij?	چند گربه داری تو؟
Ik heb één kat.	من دارم یک گربه.
Ik heb twee katten.	من دارم دو گربه.
Ik heb een paar katten.	من چند گربه دارم.

با وجود این، اغلب واحد های شمارش به صورت مفرد بعد از یک عدد یا بعد از *hoeveel* (چه تعداد)، *zoveel* (خیلی زیاد) یا *een paar* (معدودی)، مورد استفاده قرار می‌گیرند:

1 kilo	1 کیلو
2 kilo	2 کیلو
3 kilo	3 کیلو
een paar kilo	چند کیلو

این قاعده در اینجا نیز صادق است:

3 kilo	3 کیلو
3 gram	3 گرم
3 jaar	3 سال
3 uur	3 ساعت
3 kwartier	3 ربع ساعت
3 euro ⁹⁴	3 یورو
3 meter	3 متر
3 centimeter	3 سانتی متر
3 millimeter	3 میلیمتر
een paar millimeter	چند میلیمتر

استثناء ها: ⁹⁵

3 maanden	3 ماه
3 weken	3 هفته
3 dagen	3 روز
3 minuten	3 دقیقه
3 seconden	3 ثانیه
3 graden	3 درجه
een paar graden	چند درجه ای

⁹⁴ € 12,50 را به این صورت بخوانید: *twaaelf euro vijftig* یا فقط: *twaaelf vijftig*.

⁹⁵ در زبان فارسی برای این حالات جمع، از مفرد استفاده میشود.

چند مثال:

300 kilo is ⁹⁶ te veel.	300 کیلومتر است خیلی زیاد.
1000 jaar is lang.	1000 سال است زمانی طولانی.
3 kwartier is 45 minuten.	3 ربع است 45 دقیقه.
35 centimeter is 350 millimeter.	35 سانتی متر است 350 میلیمتر.

⁹⁶ توجه کنید که افعال صرف شده در این مثال ها، نیز مفرد هستند.

ضمیمه IV : تاریخ و وقت

الف: سال

سال ها به ترتیب زیر خوانده میشوند:

1300	dertienhonderd
1964	negentien vierenzestig
2004	tweeduizend vier

v.Chr. (voor Christus): before Christ (B.C.)	ق.م. (قبل از میلاد مسیح)
n.Chr. (na Christus): after Christ	ب.م. (بعد از میلاد مسیح)
A.D. (Latin: anno domini): in the year of the Lord	سال میلادی (به زبان لاتینی در سال مسیح)

اعداد رومی در هلند نیز (مثلاً در ساختمان ها) مورد استفاده قرار میگیرند. در ذیل نماد های اصلی آمده است:

M	1000
D	500
C	100
L	50
X	10
V	5
I	1

با گذاشتن یک نماد کوچکتر **بعد** از یکی از این نمادها، اعداد افزایش می یابند:

MD	1500
DC	600
LXX	70
VIII	8

با گذاشتن یک نماد کوچکتر **قبل** از یک نماد بزرگتر، نماد کوچکتر از آن کسر میشود:

CM	900
XC	90
XL	40
IX	9
IV	4 ⁹⁷

MCMLXIV	1964
MMVII	2007

⁹⁷ اما ممکن است بر روی ساعت ها پی که از اعداد رومی استفاده کرده اند، این نماد را IIII ببینید.

ب: فصول

de winter	زمستان
de lente, het voorjaar	بهار
de zomer	تابستان
de herfst, het najaar	پاییز، خزان

پ: ماه های سال

januari	ژانویه
februari	فوریه
maart ⁹⁸	مارس
april ⁹⁹	آوریل
mei	می
juni	ژوئن
juli	جولای
augustus	آگوست
september	سپتامبر
oktober	اکتبر
november	نوامبر
december	دسامبر

ت: روز های هفته ¹⁰⁰

maandag	دو شنبه
dinsdag	سه شنبه
woensdag	چهار شنبه
donderdag	پنج شنبه
vrijdag	جمعه
zaterdag	شنبه
zondag	یک شنبه

ث: زمان ¹⁰¹

مردم هلند شیوه ی خود را برای گفتن زمان دارند. به محض اینکه 15 دقیقه از ساعت گذشت، در مورد ساعت بعدی صحبت میکنند.

⁹⁸ ضرب المثل **Maart roert zijn staart** (مارس دم خود را تکان میدهد) به این معنی است که آخر ماه مارس می تواند بسیار از نظر آب و هوا متغیر باشد: ممکن است یخ یزند، باران یا برف ببارد، 25 درجه ی سانتیگراد بالای صفر (درمقیاس سلسیوس) باشد و غیره. حتی رگبار های شدید به نام این ماه مشهور میباشند: **maartse buien** (رگبار های مارس).
⁹⁹ **April doet wat hij wil** (آوریل می کند هرچه بخواهد). یعنی این که معلوم نیست آب و هوای آوریل چگونه باشد.

¹⁰⁰ معدودی دیگر از نامها از خدایان کهن ژرمانیک (نژاد آلمانی، تیوتون) اخذ شده اند. **woensdag** (**Wednesday**) به **Wodan** خدای جنگ؛ **donderdag** (**Thursday**) به **Donar** خدای باران همراه با رعد و برق و **vrijdag** (**Friday**) به **Freya** الهه ی باروری و زایندهگی اشاره دارند.
¹⁰¹ در هلند در نوشتار از ترتیب زمانی 24 ساعته و در گفتار از ترتیب زمانی 12 ساعته استفاده میشود.

10.20 = 10 voor half 11	10 دقیقه مانده به نیم ساعت به 11 (صبح)
17.25 = 5 voor half	5 دقیقه مانده به نیم ساعت به 6 (بعد از ظهر)

نخست مقدمات و سپس چند اصطلاح آورده میشود:

een uur ¹⁰²	یک ساعت	60 دقیقه
een half uur	نیم ساعت	30 دقیقه
een kwartier ¹⁰³	یک ربع	15 دقیقه
een minuut ¹⁰⁴	یک دقیقه	1 دقیقه
een seconde ¹⁰⁵	یک ثانیه	یک ثانیه

در ضمیمه III مشاهده شد که ساعت - اگر بیش از 1 ساعت باشد- همیشه به صورت مفرد به آن اشاره میشود. همین قاعده در مورد ربع ساعت نیز صادق است. اما دقیقه و ثانیه - اگر بیش از یک دقیقه و یک ثانیه باشند- به صورت جمع به آنها اشاره میشود:

een dag = 24 uur	یک روز = 24 ساعت
een uur = 4 kwartier	یک ساعت = 4 ربع
een kwartier = 15 minuten	یک ربع = 15 دقیقه
een minuut = 60 seconden	یک دقیقه = 60 ثانیه

به نحوه ی بیان و حروف اضافه نیز در مثال های زیر توجه شود:

Hoe laat is het?	چه ساعتی است؟
Het is 12 uur.	ساعت 12 است.

Hoe laat vertrekt de trein?	چه ساعتی میروند قطار؟
De trein vertrekt om 12 uur.	قطار میروند در ساعت 12.

Hoe lang duurt de reis?	چه مدت طول میکشد سفر؟
De reis duurt 2 uur en 10 minuten.	سفر طول میکشد دو ساعت و ده دقیقه.

Tot hoe laat moet je wachten?	تا چه زمانی باید منتظر باشی؟
Tot 12 uur.	تا ساعت 12.

Hoe laat kom je aan?	چه وقت می آیی تو؟
Ik kom om 12 uur aan.	من خواهم آمد در ساعت 12.

het uur¹⁰²
 het kwartier¹⁰³
 de minuut¹⁰⁴
 de seconde¹⁰⁵



Twaalf uur



Vijf over twaalf



Tien over twaalf



Kwart over twaalf



Tien voor half een



Vijf voor half een



Half een



Vijf over half een



Tien over half een



Kwart voor een



Tien voor een



Vijf voor een

ضمیمه V : حروف اضافه

استفاده از حروف اضافه در یک زبان بیگانه به سبب آنکه بخشی از نحوه ی بیان را تشکیل میدهد، همیشه مشکل است. از اینرو در اینجا فقط به ترجمه اکتفا نشده، بلکه تا حدودی زمینه ای را که در آن صحبت میشود، نیز آورده شده است. دقت شود که بسیاری از افعال به اصطلاح مرکب، حرف اضافه ی **ثابت** دارند.

aan: Ik zit aan tafel.	پشت: من نشستم پشت میز.
aan: Er is iemand aan de deur.	جلو: است کسی در جلوی در.
aan: De foto hangt aan de muur.	روی: عکس او یزان است روی دیوار.
aan: Ik geef het boek aan jou.	به: من دادم کتاب را به تو.
achter: Hij staat achter een boom.	پشت: او (مذکر) ایستاده است پشت یک درخت.
behalve: Hij kan altijd behalve vandaag.	به غیر از: او (همیشه) در دسترس است به غیر از امروز.
beneden: West-Nederland ligt beneden zeeniveau.	پایین: قسمت غربی هلند قرار دارد پایین تر از سطح دریا.
bij: Ik was bij de boekwinkel.	در: من بودم در کتاب فروشی.
bij: Ik wacht bij de ingang.	کنار: من منتظر خواهم ماند کنار در.
bij: Ik woon (vlak) bij de universiteit.	نزدیک، چسبیده به: من زندگی میکنم نزدیک دانشگاه.
bij: Ik heb een boek bij me.	با: من یک کتاب با خودم دارم.
bij: Ik woon bij mijn tante.	با: من زندگی میکنم با عمه ام.
binnen: Ik ben binnen een uur klaar.	در عرض: من در عرض یک ساعت آماده خواهم بود.
boven: Hij woont boven een winkel.	بالا: او (مذکر) زندگی میکند در بالای یک فروشگاه.
boven: Het is boven de 35 °C.	بالای / بیش از: آن(هوا) بالای/بیش از 35 درجه سانتی گراد است.
boven: Oost-Nederland ligt boven zeeniveau.	بالا: قسمت شرقی هلند قرار دارد در بالای سطح دریا.

buiten: Hij is buiten gevaar.	او از خطر (مرگ) رسته است. ¹⁰⁶
buiten: Ik woon buiten de stad.	بیرون: من زندگی میکنم در خارج از شهر.
dankzij: Ik heb dit boek dankzij jou.	از برکت/ به خاطر: من دارم این کتاب را از برکت/ به خاطر شما.
door: Hij is door een auto aangereden.	توسط: او (مذکر) توسط ماشین آسیب دید.
door: Ik loop door het bos.	در میان: من قدم میزنم در میان بیشه.
gedurende: Gedurende het weekend heb ik vrij.	در طی: در طی آخر هفته دارم من وقت آزاد.
in: Ik ben in de keuken.	در: من هستم در آشپزخانه.
in: Ik moet dit in het Engels vertalen.	به: من باید این را به انگلیسی ترجمه کنم.
in: Er zitten veel mensen in de bus	در: نشسته اند آدم های بسیاری در اتوبوس.
langs: Hij loopt langs de rivier.	در امتداد: او قدم میزند در امتداد رودخانه.
met: Ik kom met de fiets.	با/ به وسیله ی: من خواهم آمد با دوچرخه.
met: Ik kom met Kerstmis.	در/ برای: من در/ برای کریسمس خواهم آمد.
met: Ik wil koffie met suiker.	با: من میخوام قهوه ام را با شکر.
na: Na u!	بعد از: بعد از شما! اول شما بفرمایید.
na: Na de winter ga ik naar Parijs.	بعد از: بعد از زمستان میروم به پاریس.
naar: Hij gaat naar Amsterdam.	به: او در حال رفتن به آمستردام است.
naar: De trein naar Parijs vertrekt nu.	برای/ به مقصد: ترن برای/ به مقصد پاریس در حال حرکت است.
naast: Ik zit naast een student.	کنار/ پهلو: من نشسته ام کنار/ پهلو ی یک دانشجو.
om: Wij zitten om de tafel.	دور: ما نشسته ایم دور میز.
om: Ik kom om 12 uur.	در: من خواهم آمد در ساعت 12.
onder: Wij praten veel onder het eten.	در حین: ما صحبت کردیم خیلی زیاد در حین شام.

¹⁰⁶ کلمه ی **buiten** را که به معنی بیرون، خارج و نظایر آن میباشد، در این جمله معادل دقیقی برای آن در زبان فارسی نیافتیم.

onder: De kat zit onder de tafel.	زیر: گربه نشسته است زیر میز.
onder: Dit boek kost onder de 15 euro.	زیر: این کتاب ارزش دارد زیر 15 یورو.
op: Ik heb geen geld op de bank.	در: من ندارم پول در بانک.
op: De koffie staat op tafel.	بر روی: قهوه بر روی میز قرار دارد.
over: Ik lees een boek over Erasmus.	راجع / در باره ی: من در حال خواندن یک کتاب راجع به اراسموس هستم.
over: Ik loop over de brug.	روی: من قدم میزنم در روی پل.
over: Ik kom over een uur.	در: من خواهم آمد در یک ساعت.
over: Hij is over de veertig.	بالای / بیش از: او است بالای 40 (سال).
per: Reizen per trein is comfortabel.	با / به وسیله ی: سفر با/ به وسیله ی ترن است راحت.
per: Deze tomaten kosten 1 euro per kilo.	هر: این گوجه فرنگی ها هر کیلو 1 یورو قیمت دارند.
rond: Wij zitten rond het vuur.	دور: ما نشسته ایم دور آتش.
sinds: Hij studeert sinds 1995.	از: او (مذکر) بوده است دانشجوی از 1995.
te: Dit huis is te huur.	برای: این خانه است برای اجاره.
te: Ik ben geboren te Utrecht.	در: من به دنیا آمده ام در او ترخت.
tegen: Hij leunt tegen de muur.	به: او (مذکر) تکیه داده است به دیوار.
tegen: Hij stemt tegen dit voorstel.	علیه / بر ضد: او (مذکر) رای خواهد داد علیه این پیشنهاد.
tegenover: Ik woon tegenover het station.	روبروی: من زندگی میکنم روبروی ایستگاه.
tegenover: Hij is heel aardig tegenover mij.	نسبت : (رفتار) او است خیلی دوستانه نسبت به من.
tijdens: Tijdens de zomer kom ik.	در طی: در طی تابستان خواهم آمد من.
tot: Deze trein rijdt tot Leiden.	تا: این ترن میراند تا لایدن.
tot: Ik wacht tot 12 uur.	تا: من منتظر خواهم بود تا ساعت 12.
tot: Tot volgende week!	تا: تا هفته ی دیگر!
tussen: De trein staat stil tussen Leiden en Den Haag.	بین: ترن توقف میکند بین لایدن و لاهه.

tussen: Er is een verschil tussen A en B.	بین/میان: است یک تفاوت بین الف و ب.
uit: Ik kom uit Nederland.	از: من از هلند (هلندی) هستم.
uit: Hij stapt uit de trein.	از: او (مذکر) پیاده میشود از ترن.
uit: De kat springt uit het raam.	بیرون از: گربه میپرد بیرون از پنجره.
van: Hij werkt van 9 tot 5.	از: او (مذکر) کار میکند از 9 تا 5.
van: Hij is de zoon van Jan.	او (مذکر) است پسر یان.
van: Dat is aardig van je.	از: این از لطف شما است.
van: Dit boek is van mij en niet van jou.	مال: این کتاب است مال من و نیست مال تو.
vanwege: Ik kan niet slapen vanwege de muggen.	به خاطر: من نمی توانم بخوابم به خاطر پشه ها.
vanaf: Ik werk vanaf 1970.	از... به بعد: من کار کرده ام از سال 1970 به بعد.
via: Ik ga via Rome naar Parijs.	از طریق: من خواهم رفت به پاریس از طریق رم.
volgens: Volgens het weerbericht gaat het regenen.	بر طبق: برطبق پیش بینی هوا می رود که باران بیارد.
volgens: Alles gaat volgens plan.	بر طبق: همه چیز می رود پیش بر طبق برنامه.
voor: Ik ben vóór 6 uur klaar.	قبل از: من خواهم بود آماده قبل از ساعت 6.
voor: Dit moet vóór 1 april klaar zijn.	تا: این باید تمام شود تا اول آوریل.
voor: Ik kom voor jou.	برای/برای دیدن: من هستم اینجا برای / برای دیدن تو.
voor: Ik sta voor het huis.	در جلوی: من ایستاده ام در جلوی خانه.
voorbij: Hij rijdt voorbij Leiden.	بدون توقف: او میگذرد (با راندن) بدون توقف از لایدن.
zonder: De reis verloopt zonder problemen.	بدون: سفر پیش می رود بدون مشکل.

افعال با حروف اضافه ی ثابت (افعال مرکب):

چند مثال معدود:

beginnen met	شروع کردن با
denken aan	فکر کردن به
gaan naar	رفتن به
geven aan	دادن به
helpen met	کمک با
houden van	دوست داشتن
kijken naar	نگاه کردن به
lachen om	خندیدن در باره ی
luisteren naar	گوشی کردن به
stoppen met	متوقف کردن
trek hebben in	اشتها داشتن (غذا)
vragen aan	پرسیدن از کسی
wachten op	منتظر بودن برای
zin hebben in ¹⁰⁷	تمایل داشتن به (هرچیزی)

زمان و حروف اضافه :

Tijd: Ik kom om 12 uur.	وقت: من خواهم آمد در ساعت 12.
Dagen en data: Ik kom op woensdag 17 september.	روزها و تاریخ: من خواهم آمد در چهارشنبه 17 سپتامبر.
Weekend: Ik kom in het weekend.	آخر هفته: من خواهم آمد در آخر هفته.
Maanden: Ik kom in september.	ماه ها: من خواهم آمد در سپتامبر.
Seizoenen: Ik kom in de zomer.	فصول: من خواهم آمد در تابستان.
Jaren: Ik kom in 2007.	سال ها: من خواهم آمد در 2007.

نشانی ها و حروف اضافه:

Land: Ik woon in Nederland.	زمین: من زندگی می کنم در هلند.
Stad/dorp: Ik woon in Leiden.	شهر: من زندگی می کنم در لایدن.
Wijk: Ik woon in de Bloemenwijk.	ناحیه: من زندگی می کنم در بلومن وایک.
Straat: Ik woon in de Herenstraat.	خیابان: من زندگی می کنم در هیرن استرات.

¹⁰⁷ دو ساختار با **zin hebben in** ممکن است:

zin hebben in + اسم: ik **heb zin in** koffie

zin hebben + **om** (...) **te** + مصدر: ik **heb zin om** morgen naar Amsterdam **te** gaan.

به فصل 20 نیز رجوع کنید.

Weg: Ik woon aan de Appelweg.	جاده: من زندگی میکنم در اپل وچ.
Laan: Ik woon aan de Lindelaan.	بلوار: من زندگی میکنم در لیندلان.
Gracht/singel: Ik woon aan de Hooigracht.	کانال: من زندگی میکنم در هوک خراخت.
Huisnummer: Ik woon op nummer 15.	پلاک خانه: من زندگی میکنم در شماره 15.
Verdieping: Ik woon op de tweede verdieping. ¹⁰⁸	طبقه: من زندگی میکنم در طبقه ی دوم.

¹⁰⁸ در زبان هلندی طبقه ی همکف (begane grond) در شمارش طبقات محسوب نمیشود.

ضمیمه VI : قیود

قیود اطلاعات بیشتر راجع به یک فعل، یک صفت، یا حتی قیود دیگر می دهند و شکل آنها هرگز عوض نمیشود. از صفات، اغلب به مانند قیود استفاده میشود.

Zij zingt mooi .	او (مؤنث) میخواند زیبا.
-------------------------	-------------------------

Zij zing een heel mooi lied.	او (مؤنث) میخواند یک آهنگ بسیار زیبا.
-------------------------------------	---------------------------------------

Zij zingt heel mooi .	او (مؤنث) میخواند بسیار زیبا.
------------------------------	-------------------------------

در ذیل فهرستی از قیودی که مکرراً استفاده میشوند و به زمان، مکان، جهت، و شدت اشاره میکنند و معدودی دیگر از قیودی که بسیار به کار میروند، آورده شده است.

• قیود زمان:

morgen	فردا
overmorgen	پس فردا
gisteren	دیروز
eergisteren	پریروز

vandaag	امروز
vanmorgen, vanochtend	امروز صبح
vanmiddag	امروز ظهر
vanavond	امشب (اول شب)
vannacht	امشب

's morgens, 's ochtends	در صبح
's middags	در بعد از ظهر
's avonds	در اول شب
's nachts	در شب

binnenkort	زود
straks	زود، بعدی
later	بعداً
volgende week	هفته ی آینده
volgende maand	ماه آینده
volgend jaar	سال آینده

altijd	همیشه
meestal	اغلب، معمولاً
regelmatig	دائماً
soms	گاهی
af en toe, nu en dan	گاه به گاه
zelden	به ندرت
nooit	هرگز
bijna nooit	تقریباً هرگز

ooit	هرگز، تا کنون
wel eens ¹⁰⁹	روزی، زمانی
nog nooit	قبلاً هرگز
nooit eerder ¹¹⁰	قبلاً هرگز

eerst	نخستین
dan	سپس
daarna	بعدی
vervolgens	بعدی
ten slotte	در نهایت، سرانجام

toen	سپس
sindsdien	از
al	پیش از این
weer	دوباره
eindelijk	سرانجام

• قیود مکان:

hier	اینجا
daar	آنجا
er	آنجا
binnen	داخل
buiten	خارج
overal	همه جا
ergens	یک جایی
nergens	هیچ جا
weg	دور از اینجا
boven	طبقه ی بالا
beneden	طبقه ی پایین

• قیود جهت:

rechtdoor	مستقیم
links, linksaf	به چپ
rechts, rechtsaf	به راست
terug	عقب

• قیود فزونی بخش:

zeer ¹¹¹	بسیار
erg ¹¹²	بسیار
heel ¹¹³	بسیار
zo	بسیار
te	بسیار

¹⁰⁹ (آیا تو هرگز در پاریس بوده ای؟) Ben je ooit/wel eens in Parijs geweest ?
¹¹⁰ (نه، من قبلاً هرگز در پاریس نبوده ام.) Nee, ik ben nog nooit/nooit eerder in Parijs geweest.
¹¹¹ رسمی است و عمدتاً در زبان نوشتاری استفاده میشود.
¹¹² در زبان محاوره استفاده میشود.
¹¹³ در زبان محاوره استفاده میشود.

• معدودی قیود دیگر که مکرراً مورد استفاده قرار میگیرند :

eigenlijk	واقعاً، درحقیقت
graag	شادمانه، با کمال میل، لطفاً
ook	همچنین، نیز
misschien	شاید
toch	با وجود این، هنوز، هرچند

چند مثال:

Heb je trek in een kopje thee? Ja, **graag!** Ik wil **graag** een kopje thee.
شما میل دارید یک فنجان چای؟ بله، **لطفاً!** من میخواهم با **کمال میل** یک فنجان چای.

Jan en Ingrid gaan naar Rotterdam, en ik ga **ook** mee.
جان و اینگرید در حال رفتن به رتردام هستند، و من **نیز** میروم.

Misschien vertrek ik zaterdag, **misschien ook** niet.
شاید من شنبه بروم، **شاید هم نه**.

Ik weet dat het niet mag **maar** ik doe het **toch!**
من میدانم که این مجاز نیست، **اما** من انجام میدهم آن را **با وجود این**.

De tentoonstelling is niet spectaculair **maar toch** aardig om te zien.
نمایشگاه باشکوه نیست، **اما با این وجود** خوب است آن را دید.

ضمیمه VII : اشاره به اشخاص و اشیاء

وقتی که اشاره به اشخاص و اشیاء میشود، شخص میتواند هم از ضمیر شخصی و هم از ضمیر اشاره استفاده کند. در مورد ضمیر شخصی قبلاً در فصل 3 صحبت شد. از ضمیر اشاره هم به ویژه برای تأکید میتوان استفاده کرد. در این صورت ضمیر اشاره به صورتی که در فصل 11 مشاهده شد، قبل از اسم گذاشته **نمیشود**، بلکه به تنهایی مورد استفاده قرار میگیرد. فقط دو حالت **die** و **dat** به کار گرفته میشوند و همیشه در اولین مکان جمله گذاشته میشوند، زیرا که برای تأکید به کار برده میشوند. **die** برای اشخاص، چه مفرد و چه جمع و برای اشیاء **die** و **dat** به کار برده میشود. **die** برای **de-word** ها و اسامی جمع و **dat** برای **het-word** های مفرد به کار میرود.

اشاره به اشخاص

مذکر مفرد:

Wat vind je van de nieuwe buurman ?
چه فکر میکنی تو در باره ی همسایه ی جدید مرد؟

ضمیر شخصی:

Hij is heel aardig.	فاعل:	او (مذکر) است یک شخص بسیار نازنین.
----------------------------	--------------	---

Ik vind hem heel aardig.	مفعول:	من یافته‌ام او (مذکر) را یک شخص بسیار نازنین.
---------------------------------	---------------	--

Ik praat vaak met hem .	بعد از حرف اضافه:	من صحبت میکنم اغلب با او (مذکر) .
--------------------------------	--------------------------	--

ضمیر اشاره:

Die is heel aardig.	فاعل:	او است بسیار نازنین.
----------------------------	--------------	-----------------------------

Die vind ik aardig.	مفعول:	او را من یافته‌م بسیار نازنین.
----------------------------	---------------	---------------------------------------

مؤنث مفرد:

Wat vind je van de nieuwe buurvrouw ?
چه فکر میکنی تو در باره ی همسایه ی جدید زن؟

ضمیر شخصی:

Zij is heel aardig.	فاعل:	او (مؤنث) است یک شخص بسیار نازنین.
----------------------------	--------------	---

Ik vind haar heel aardig.	مفعول:	من یافته‌م او (مؤنث) را یک شخص بسیار نازنین.
----------------------------------	---------------	---

Ik praat vaak met haar .	بعد از حرف اضافه:	من صحبت میکنم اغلب با او (مؤنث) .
---------------------------------	--------------------------	--

ضمیر اشاره:

او است بسیار نازنین.	فاعل:	Die is heel aardig.
----------------------	-------	---------------------

او را من یافتم بسیار نازنین.	مفعول:	Die vind ik heel aardig.
------------------------------	--------	--------------------------

جمع:

چه فکر میکنی تو در باره ی همسایه های جدیدمان؟	Wat vind je van onze nieuwe buren?	
---	------------------------------------	--

ضمیر شخصی:

آنان هستند مردمی بسیار نازنین.	فاعل:	Ze zijn heel aardig. ¹¹⁴
--------------------------------	-------	-------------------------------------

من یافتم آنان را بسیار نازنین.	مفعول:	Ik vind ze heel aardig. ¹¹⁵
--------------------------------	--------	--

من اغلب با آنان صحبت میکنم.	بعد از حرف اضافه:	Ik praat vaak met ze. ¹¹⁶
-----------------------------	-------------------	--------------------------------------

ضمیر اشاره:

آنان هستند بسیار نازنین.	فاعل:	Die zijn heel aardig.
--------------------------	-------	-----------------------

آنان را یافتم بسیار نازنین.	مفعول:	Die vind ik heel aardig.
-----------------------------	--------	--------------------------

اشاره به اشیاء

:de-word

کجا است روزنامه؟	Waar is de krant?
------------------	-------------------

ضمیر شخصی:

آن نرسیده است هنوز.	فاعل:	Hij is er nog niet.
---------------------	-------	---------------------

من نمی توانم بینم آن راجایی.	مفعول:	Ik zie hem nergens.
------------------------------	--------	---------------------

من ساعت ها است در جستجوی آن هستم.	بعد از حرف اضافه:	Ik zoek er al uren naar. ¹¹⁷
-----------------------------------	-------------------	---

¹¹⁴ یا zij .

¹¹⁵ یا hen.

¹¹⁶ یا hen.

¹¹⁷ فعل zoeken در این جمله با حرف اضافه ی ثابت naar است. ساختار کامل میتواند چنین باشد:
Ik zoek al uren naar de krant. اگر شما میخواهید فقط یک ارجاع فوری بدهید، er naar را جایگزین naar de krant نمایید. همانطور که در فصل 12 دیدیم، er فقط میتواند در ارجاع به اشیاء به کار رود و هرگز نمیتواند برای اشخاص مورد استفاده قرار گیرد. این er naar به راحتی قابل جدا شدن است. و اگر شما مایل باشید که تأکید باز هم بیشتری بر er naar داشته باشید، این جمله را خواهید داشت:
(Daar zoek ik al uren naar!)

ضمیر اشاره:

Die is er nog niet.	فاعل:	آن نرسیده است هنوز.
----------------------------	--------------	----------------------------

Die zoek ik al uren.	مفعول:	من ساعت ها است در جستجوی آن هستم.
-----------------------------	---------------	--

:het-word

Waar is mijn woordenboek ?	کجا است دیکشنری من؟
-----------------------------------	-----------------------------------

ضمیر شخصی:

Het staat niet in de kast.	فاعل:	آن نیست در قفسه کتابها.
-----------------------------------	--------------	--------------------------------

Ik zie het nergens.	مفعول:	من نمی توانم ببینم آن را جایی.
----------------------------	---------------	---------------------------------------

Ik zoek er al uren naar .	بعد از حرف اضافه:	من ساعت ها است در جستجوی آن هستم.
---	--------------------------	--

ضمیر اشاره:

Dat ligt op tafel.	فاعل:	آن بر روی میز قرار دارد.
---------------------------	--------------	---------------------------------

Dat zoek ik al uren.	مفعول:	من ساعت ها است در جستجوی آن هستم.
-----------------------------	---------------	--

جمع:

Waar zijn mijn tijdschriften ?	کجا هستند مجله های من؟
---------------------------------------	--------------------------------------

ضمیر شخصی:

Ze zijn onvindbaar.	فاعل:	آنها جایی نیستند که بشود پیدا کرد.
----------------------------	--------------	---

Ik zie ze nergens.	مفعول:	من نمی توانم ببینم آنها را جایی.
---------------------------	---------------	---

Ik zoek er al uren naar .	بعد از حرف اضافه:	من ساعت ها است در جستجوی آنها هستم.
---	--------------------------	--

ضمیر اشاره:

Die zijn onvindbaar.	فاعل:	آنها جایی نیستند که بشود پیدا کرد.
-----------------------------	--------------	---

Die zoek ik al uren.	مفعول:	من ساعت ها است در جستجوی آنها هستم.
-----------------------------	---------------	--

ضمیمه VIII : واژگان ابرازشگفتی

دو نوع از واژگان شگفتی و سه کلمه ی دیگر که در زبان هلندی بسیار مورد استفاده قرار میگیرند، از این قرارند:

الف: اصطلاحاتی که ساختارشان به این شکل است: **wat** + صفت
ب: برخی اصطلاحات ثابت

الف: **wat** + صفت

Ik ga morgen naar Parijs. Wat leuk!	من میروم فردا پاریس. چه خوب!
Hij heeft zijn been gebroken. Wat vervelend!	پای او (مذکر) شکسته است. چه بد، چه وحشتناک!
Wij kunnen vanavond niet komen. Wat jammer!	ما نمیتوانیم امشب بیایم چه حیف شد!
Mijn vijf zusjes komen ook. Wat gezellig!	پنج خواهر من هم می آیند. چه خوب!
Wij eten vanavond vis. Wat lekker!	ما میخوریم امشب ماهی. چه عالی! (برای غذا و نوشیدنی).
Ik zag vandaag mijn professor. Wat toevallig!	من دیدم امروز استاد خودم را. چه تصادفی!

ب: اصطلاحات ثابت

Ik ben al een week ziek. Beterschap!	من یک هفته است بیمارم. امیدوارم زود خوب شوی!
Ik moet straks naar de tandarts. Sterkte!	من باید بروم به نزد دندان پزشک. دلیر باش!
Ik moet examen doen. Succes!	من باید یک امتحان بدهم. موفق باشی!
Hatsjiiiie! Gezondheid!	شخصی عطسه میکند. عافیت باشد!
Laten we toosten op het nieuwe jaar. Proost!	بباید نوشابه بنوشیم به شادی سال نو. به سلامتی/ نوش جان!
Het eten ziet er heerlijk uit! Eet smakelijk!	شام به نظر فوق العاده می آید. نوش جان!

Ik ga nu naar bed.	من میروم اکنون به بستر.
Slaap lekker!	خوب بخوابی!
Morgen gaan we naar de dierentuin.	فردا میرویم ما به باغ وحش.
Veel plezier!	خوش بگذرد!
Ik ga dit weekend naar Brussel.	من میروم این آخر هفته به بروکسل.
Prettig weekend!	آخر هفته ی خوبی داشته باشی.
Volgende week ga ik met vakantie.	هفته ی آینده میروم من به تعطیلات.
Prettige vakantie!	تعطیلات خوبی داشته باشی!
Het is 1 januari.	اول ژانویه است.
Gelukkig nieuwjaar!	سال نو مبارک!
Ik ben vandaag 25 geworden.	من امروز 25 ساله شده ام.
Gefeliciteerd!	تولدت مبارک!

ضمیمه IX : چند اصطلاح مقدماتی گرامر هلندی

دو راه برای تجزیه و تحلیل یک جمله وجود دارد: با تفکیک مؤلفه ها و سازه های آن یا تجزیه و تحلیل کلمه به کلمه. یک مثال:

Onze buren Frans en Tonny, die tegenover ons wonen, hebben twee leuke dochters en een lieve hond.

همسایگان ما فرانس و تونی، که روبروی ما زندگی میکنند، دارند دو دختر جذاب و یک سگ دوست داشتنی .

تفکیک مؤلفه ها و سازه های آن:

→ فاعل	Onze buren Frans en Tonny, die tegenover ons wonen = همسایگان ما فرانس و تونی، که روبروی ما زندگی میکنند
→ فعل	hebben = دارند
→ مفعول	twee leuke dochters en een lieve hond = دو دختر جذاب و یک سگ دلربا

تجزیه و تحلیل کلمه به کلمه:

Onze	ضمیر ملکی
buren	اسم
Frans	اسم
en	حرف ربط
Tonny	اسم
die	ضمیر موصولی
tegenover	حرف اضافه
ons	ضمیر شخصی
wonen	فعل صرف شده ی جمله پیرو
hebben	فعل صرف شده ی جمله پایه
twee	عدد
leuke	صفت
dochters	اسم
en	حرف ربط
een	حرف تعریف
lieve	صفت
hond	اسم

فهرست اصطلاحات دستور زبان در این اثر (هلندی و فارسی و انگلیسی)

هلندی	فارسی	انگلیسی
Aanwijzend voornaamwoord	ضمیر اشاره	Demonstrative pronoun
Accentteken	تشدید، تکیه ی صدا	Accent
Achterevoegsel	پسوند	Suffix
Adjectief	صفت	Adjective
Afgeleid	ریشه پایی واژه	Derived
Apostrof	اپوستروف	Apostrophe
Beklemtoond	تأکید شده	Emphasized/stressed
Beklemtoond	مؤکد	Stressed
Bepaald	معرفه، معین	Definite
Betrekkelijk voornaamwoord	ضمیر موصولی	Relative pronoun
Betrekkelijke bijzin	جمله پیروی موصولی	Relative sub-clause
Bezittelijk voornaamwoord	ضمیر ملکی	Possessive pronoun
Bijvoeglijk naamwoord	صفت	Adjective
Bijwoord	قید	Adverb
Bijzin	جمله ی پیرو	Sub-clause
Comparatief	صفت برتر	Comparative
Consonant	حرف بی صدا	Consonant
Direct object	مفعول مستقیم، بیواسطه	Direct object
Directe rede	نقل قول مستقیم	Direct speech
Enkelvoud	مفرد	Singular
Formeel	رسمی	Formal
Gebiedende wijs	امری	Imperative
Geslacht	جنسیت	Gender
Gesloten lettergreep/syllabe	هجا ی بسته	Closed syllable
Gesloten vraag	سؤال بسته یا آری، نه	Closed question
Gespecificeerd	مشخص شده	Specified
Hoeveelheidswoord	کمیت نما	Quantifier
Hoofdletter	حرف بزرگ	Capital
Hoofdtelwoord	عدد اصلی	Cardinal
Hoofdwerkwoord	فعل اصلی	Main verb
Hoofdzin	جمله ی پایه (اصلی)	Main clause
Hulpwerkwoord	فعل کمکی	Auxiliary verb
Indirecte rede	نقل قول غیر مستقیم	Indirect speech
Infinitief	مصدر	Infinitive
Informeel	غیر رسمی	Informal
Inversie	وارونگی	Inversion
Ja-nee vraag	سؤال بسته یا آری، نه	Closed question
Kleine letter	حرف کوچک	Small letter
Klinker	صدا دار	Vowel
Klinkerletter	حرف صدا دار	Vowel letter
Lettergreep	هجا	Syllable
Lidwoord	حرف تعریف	Article
Lijdend voorwerp	مفعول مستقیم، بیواسطه	Direct object
Lijdende vorm	جمله ی مجهول	Passive voice

Mannelijk	مذکر	Masculine
Mededeling	جمله ی مثبت (خبری)	Statement
Medeklinker	حرف بی صدا	Consonant
Meervoud	جمع	Plural
Meewerkend voorwerp	مفعول غیر مستقیم، با واسطه	Indirect object
Modaal (hulp)werkwoord	فعل کمکی ¹¹⁸	Modal verb
Naamval	حالت	Case
Nevenschikkend voegwoord	حرف ربط همپایه	Coordinating conjunction
Niet-telbaar	غیر قابل شمارش	Uncountable
Onbeklemtoond	غیر مؤکد	Unemphasized/unstressed
Onbeklemtoond	نا مؤکد	Unstressed
Onbepaald	نامعین، مبهم، نکره	Indefinite
Onbepaald voornaamwoord/telwoord	کمیت نما	Quantifier
Onderschikkend voegwoord	حرف ربط وابسته ساز	Subordinating conjunction
Onderwerp	فاعل	Subject
Ongespecificeerd	نا مشخص	Unspecified
Onpersoonlijk	غیر شخصی	Impersonal
Onregelmatig	بی قاعده	Irregular
Onscheidbaar	نا جداشونده	Inseparable
Ontkenning	منفی	Negation
Onvoltooid verleden tijd	زمان گذشته ی ساده	Simple past tense
Onzijdig	خنثی	Neuter
Open lettergreep/syllabe	هجا ی باز	Open syllable
Open vraag	سؤال باز	Open question
Overtreffende trap	صفت برترین	Superlative
Passieve zin	جمله ی مجهول	Passive voice
Persoonlijk voornaamwoord	ضمیر شخصی	Personal pronoun
Persoonsvorm	فعل صرف شده	Finite verb
Prefix	پیشوند	Prefix
Rangtelwoord	عدد ترتیبی	Ordinal
Regelmatig	با قاعده	Regular
Samengesteld woord	جمله ی همپایه	Compound
Samengestelde zin	جمله ی مرکب	Complex sentence
Scheidbaar	جدا شونده	Separable
Schrijftaal	نوشتاری	Written language
Spreektaal	زبان محاوره	Spoken language
Stam	بن	Stem
Stam van het werkwoord	بن فعل	Verb stem
Stofnaam	اسم مواد	Material noun
Substantief	اسم	Noun
Suffix	پسوند	Suffix
Superlatief	صفت برترین	Superlative
Syllabe	هجا	Syllable

¹¹⁸ این دسته از افعال کمکی: **modal verb=modaal (hulp)werkwoord** (خواهم) **zullen**, (خواستن) **willen**, (اجبار داشتن) **moeten**, (مجاز بودن) **mogen**, (قادر بودن) **kunnen** میباشند: با افعال کمکی (auxiliary verb= hulpwerkwoord) زمان و جمله ی مجهول و غیره مقایسه کنید.

Tegenwoordige tijd	زمان حاضر	Present tense
Telwoord	عدد	Numeral
Toekomstige tijd	زمان آینده	Future tense
Trema	سواگیری	Diaeresis
Uitgang	پایان	Ending
Uitroep	واژه ی شگفتی	Exclamation
Uitspraak	تلفظ	Pronunciation
Vergrotende trap	صفت برتر	Comparative
Verkleinwoord	کوچک، تصغیری	Diminutive
Vervoegen	صرف کردن	To conjugate
Verzwakte vorm	حالت مخفف	Reduced form
Vocaal	صدادار	Vowel
Voegwoord	حرف ربط	Conjunction
Voltooid deelwoord	اسم مفعول (صفت مفعولی)	Past participle
Voltooid tegenwoordige tijd	زمان حال کامل	Present perfect tense
Voltooid verleden tijd	زمان گذشته ی کامل	Past perfect tense
Voltooid tijd	زمان کامل	Perfect tense
Voorlopig onderwerp	ضمیر موقت	Provisional subject
Voorvoegsel	پیشوند	Prefix
Voorzetsel	حرف اضافه	Preposition
Vraag	سؤال	Question
Vraagwoord	ادات پرسش	Question word
Vrouwelijk	مؤنث	Feminine
Wederkerend voornaamwoord	ضمیر انعکاسی	Reflexive pronoun
Wederkerig voornaamwoord	ضمیر دو سویه	Reciprocal pronoun
Werkwoord	فعل	Verb
Werkwoord met vast voorzetsel	فعل مرکب	Phrasal verb
Woordsoort	رده بندی حرف	Word class
Woordvolgorde	ترتیب کلمات	Word order
Zelfstandig naamwoord	اسم	Noun
Zin	جمله	Clause/sentence
Zinsdeel	مؤلفه، سازه	Constituent

ضمیمه X : حروف اختصاری 119

A.D.	anno Domini (Lat.): in het jaar van de Heer	سال میلادی (به زبان لاتینی در سال مسیح)
a.h.w.	als het ware	به عبارت دیگر
a.s.	aanstaande	در دست چاب، قریب الوقوع
a.u.b.	alstublieft	خواهش میکنم
bet.	betekenis	معنی
bijl.	bijlage	ضمیمه
bijz.	bijzonder	ویژه
bl./blz.	bladzijde	صفحه
C	Celsius	سلسیوس
ca.	circa (Lat.) = ongeveer	در حدود
cl	centiliter	یک صدم لیتر
cm	centimeter	سانتیمتر
c.s.	cum suis (Lat.) = met de zijnen	با (دوستان، همکاران و غیره) وی
d.d.	de dato (Lat.) = van de datum	در تاریخ
derg./dgl.	dergelijke	چنین
d.i	dit is	این است
dl	deciliter	یک دهم لیتر
dm	decimeter	یک دهم متر/ دسیمتر
dr.	doctor	پزشک
drs.	doctorandus	فوق لیسانس، کارشناس ارشد
d.w.z	dat wil zeggen	باید گفته شود که
e.a.	en andere(n)	و دیگران (اشخاص و اشیاء)
e.e.a.	een en ander	یک چند چیزی، این چیزها
e.d.	en dergelijke	و چنین چیزها
eig.	eigenlijk	در واقع
enk.	enkelvoud	مفرد
enz.	enzovoort	و مانند اینها
etc.	et cetera (Lat.) = enzovoort	و غیره
ex.	exemplaar	تکه، قطعه
excl.	exclusief	بدون
F	Fahrenheit	فارنهایت
fig.	figuur, figuurlijk	استعاره ای
g	gram	گرم
geb.	geboren	متولد
i.c.	in casu (Lat.) = in deze zaak	در این صورت
id.	idem (Lat.) = dezelfde/hetzelfde	مثل، همان
i.h.a.	in het algemeen	به طور کلی
i.h.b.	in het bijzonder	در (موارد) ویژه
incl.	inclusief	به انضمام
ing.	ingenieur	مهندس (فارغ التحصیل از کالج) ¹²⁰
i.p.v.	in plaats van	به جای، در عوض
ir.	ingenieur	مهندس (فارغ التحصیل از دانشگاه) ¹²¹

¹¹⁹ در اینجا کوشیده شده است که فقط حروف اختصاری پرکاربرد آورده شود.
¹²⁰ در کالج بیشتر به فراگیری مهارت های عملی اهمیت داده میشود.

i.v.m.	in verband met	در رابطه با
jl.	jongstleden	آخرین
kg	kilogram	کیلوگرم
km	kilometer	کیلومتر
l	liter	لیتر
Lat.	Latijn	لاتین
L.S.	Lectori salutem (Lat.) = de lezer heil!	دروود بر خواننده! ¹²²
m	meter	متر
m.a.w	met andere woorden	به دیگر سخن
max.	maximaal	حد اکثر
m.b.t.	met betrekking tot	با در نظر گرفتن
m.b.v.	met behulp van	با کمک
mevr./mw.	mevrouw	خانم
mg	milligram	میلی گرم
m.i.	mijns inziens	بر طبق نظر من
min.	minuut	دقیقه
m.i.v.	met ingang van	شروع از
ml	milliliter	میلی لیتر
mm	millimeter	میلی متر
m.m.v.	met medewerking van	با همکاری
m.n.	met name	به ویژه
mr.	meester	فوق لیسانس حقوق
mw.	meervoud	جمع
N.	noord(en)	شمال
n.a.v.	naar aanleiding van	با رجوع به
N.B.	nota bene (Lat.) = let op	توجه، دقت!
n.Chr.	na Christus	ب.م. (بعد از میلاد مسیح)
nl.	namelijk	یعنی
N.O.	noordoost	شمال شرقی
nr.	nummer	نمره، شماره
N.W.	noordwest	شمال غربی
O	oost(en)	شرق
o.a.	onder andere(n)	در میان دیگر(ان)/دیگر چیز(ها)
o.i.d.	of iets dergelijks	یا چیزی مشابه
o.l.v.	onder leiding van	با راهنمایی، با هدایت
o.m.	onder meer	در میان دیگر(ان)/دیگر چیز(ها)
ong.	ongeveer	در حدود
opm.	opmerking	اظہار نظر
p.a.	per adres	توسط ¹²³
p./pag.	pagina	صفحه
par.	paragraaf	بخش
p.j.	per jaar	در سال
pk.	paardekracht	قدرت اسب بخار
p.m.	pro memori (Lat.) = niet vergeten	فراموش نکن! (لیست خرید)
p.o.	per omgaande	به محض وصول پاسخ داده شود
p.p.	per persoon	هر نفر
p.p.p.d.	per persoon per dag	برای هر نفر در هر روز ¹²⁴

¹²¹ در دانشگاه بیشتر به فراگیری مباحث نظری اهمیت داده میشود.

¹²² این عبارت که در اصل لاتین است، گاهی اوقات در ابتدای نوشته های هلندی دیده میشود.

¹²³ در روی پاکت پست می نویسند و منظور آن است که توسط فلان کس به دست فلان کس برسد.

¹²⁴ در مورد کرایه اتاق در هتل و موارد مشابه به کار برده میشود.

P.S.	postscriptum (Lat.) = naschrift	پی نوشت
red.	redactie	و پرايشگر(ان)
resp.	respectievelijk	به ترتيب
sec.	seconde	دوم
s.v.p.	s'il vous plaît (French) = alstublieft	خواهش ميکنم
t.a.v.	ter attentie van	نامه برای (یک شخص خاص)
t.b.v.	ten behoeve van	برای استفاده ¹²⁵
tel.	telefoon	تلفن
t/m	tot en met	لغایت/ تا پایان
temp.	temperatuur	حرارت
t.n.v.	ten name van	برای اشخاص نامبرده
t.o.v.	ten opzichte van	با احترام به
t.w.	te weten	يعنی
t.z.t.	te zijner tijd	در موعد مقرر
v.a.	vanaf	از (آن به بعد)
v.Chr.	voor Christus	ق.م. (قبل از ميلاد مسيح)
verg./vgl.	vergelijk	مقایسه
vert.	vertaler, vertaling	مترجم، ترجمه
v.l.n.r.	van links naar rechts	از چپ به راست
vnl.	voornamelijk	عمدتاً
v.r.n.l.	van rechts naar links	از راست به چپ
v.v.	vice versa (Lat.) = heen en terug	بالعکس، برعکس
W.	westen	غرب
w.o.	waaronder	که در میان آنها
Z.	zuid(en)	جنوب
Z.O.	zuidoost	جنوب شرقی
z.o.z.	zie ommezijde	جانبه ی دیگر را ببین
z.s.m.	zo spoedig mogelijk	به محض امکان
Z.W.	zuidwest	جنوب غربی

¹²⁵ برای مثال این سایت برای استفاده کسانی است که میخواهند هلندی بگیرند.